باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۱۸۴۴
رده‌بندی دیویی:	۱۳۰۶ م ۲۸۱ م ۲۹۷/۷۹
سرشناسه:	مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.
عنوان قراردادی:	
عنوان:	مفاتیح الغیب
کاتب:	احمد تفرشی — تاریخ کتابت:
محل نشر:	[بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۳۰۶ ق
صفحه شمار:	۱۱۶ ص — مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان:	فارسی و عربی — ابعاد: ۱۷ × ۱۱ — نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی☐ اهدایی☑ خریداری☐ ارسالی☐
توضیحات:	عباس رفیع جاه — تاریخ ثبت: بهمن ۱۳۷۰
یادداشتها:	
موضوع(ها):	۱. استخاره
شناسه(های) افزوده:	الف. تفرشی، احمد، کاتب. ب. رفیع جاه، عباس، اهداکننده. ج. عنوان.
فهرستنگار:	اسدزاده — تاریخ فهرستنگاری: آبان ۸۸

مفاتیح الغیب

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لا یعلم خیر عباده سواه ومن استخاره هداه ومن استشاره کفاه ومن استجاره آواه والصلوة علی خیر من استجاب الله ولباه محمد واهل بیته الذین من والاهم کانت الجنة ماویه ومن عاداهم فالنار مثویه

و بعد میگوید مستمد فیوض قدسی محمد باقر مجلسی عفی الله عن سیئاته وحشره مع موالیه ودانشا بر الواح ارواح برادران ایمانی وسالکان مسالک قرب ربانی مینگارد که چون اخبار متکاثره واحادیث متظافره از حضرت رسالت پناه وعترت طاهره صلوات الله علیه وعلیهم

اجمعین

اهداء الی

بکتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

۲۹۷/۷۹

۲۸۱۴ م

جمعی در فضیلت استخاره و استشاره از جناب
مقدس رب الارباب و بیان انواع آن بنظر قاصر این بی
بضاعت رسید بود و اکثر خلق از اطلاع بر آنها بی‌بهره
بودند و باین سبب از فواید و برکات آن محروم بودند لهذا
در این رساله که بر فاتحه و هشت مفتاح بعدد ابواب
جنان و خاتمه مشتمل است اخبار و آثار معتبره که در این
باب وارد شده ایراد نمود و **بمفاتیح الغیب** مسمی
گردانید مستمدا من الله المعونة و هو حسبی و نعم الوکیل **فاتحه**
در بیان فضیلت استخاره است بدانکه استخاره در لغت
طلب خیر و راهنمائی بصلاح خود از کسی نمودن است و استشاره
نیز مراجعه بکسی برای دانستن در امری که اراده در آن نموده
باشد تا آنکه او اشاره کند بامری که صلاح این
کس در آنست بمقتضای رای او و اگرچه استشاره از برادر
مؤمن نیز مطلوبست چنانچه بعد از این اشاره بان خواهد
شد اما مقصود اصلی در این مقام طلب خیر از حضرت [illegible]

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

۱۴۱۱۴

شماره ثبت موقت

۷۰

تاریخ

نکرده است مگر آنکه خیر او برای او بهتر گردانیده است
هر چند او نخواهد و شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین ع روایت کرده است که چون حضرت رسول
صلی الله علیه و آله مرا بیمن فرستاد مرا وصیت کرد که یا
علی حیران نمیشود کسیکه از خدا استخاره کند و پشیمان
نمیشود کسی که با مردم مشورت کند و بدانکه بعد از طلب
خیر از حق تعالی باید که هر امر که رخ نماید راضی باشد ان ع
و بداند که خیر او در آن بوده است که واقع شده است
هر چند در نظر او بد نماید و موافق خواهش او نباشد
و برقی در محاسن بسند معتبر از حضرت صادق ع
روایت کرده است که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است
که خدا را متهم دارد راوی گفت کسی باشد که خدا را
متهم دارد فرمود بلی کسیکه طلب خیر از خداوند خود
بکند و بعد از آن امری که واقع شود بآن راضی نباشد
پس خدا را در خیر خواهی خود یا دانستن خیر او متهم داشته است

و سید بن طاوس از حضرت صادق روایت کرده
است که خداوند عالم میفرماید که هر که راضی بقضای
من نباشد و شکر نعمتهای من نکند و شکیبائی در بلای
من بعمل نیاورد پس پروردگاری بغیر من طلب کند
و هر که بقضای من راضی باشد و بر نعمتهای من شکر
کند و بر بلای من صبر کند بنویسم او را از جملهٔ صدیقان
نزد خود و حضرت فرمود هر کس طلب خیر کند از خدا در
امری و یکی از دو امر برای او بعمل آید و در دلش چیزی
بوده باشد یعنی از عدم خوشنودی بالخیر بودن آن
امر پس او خدا را متهم داشته است در قضای او و
کلینی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که
داناترین مردم بخدا کسیست که راضی تر باشد بقضای
او و بسند صحیح دیگر از حضرت امام زین العابدین
روایت کرده است که صبر کردن و از خدا راضی بودن
سر طاعت و بندگی خدا است و هر که صبر کند در بلا

درجه

و راضی باشد از خدا در هرچه برای او حکم کند و مقدر
گرداند خواه موافق خواهش او باشد و خواه نباشد پس
خدا مقدر نمیگرداند از برای او مگر آنچه خیر او در آن است
خواه دوست دارد و خواه مکروه او باشد و بدانکه
استخاره چند نوع است **اوّل** آنکه در هر امری که
اراده نماید بجناب مقدس الهی متوسل شود و خیر خود را
در آن امر از حق تعالی طلب نماید و بعد از آن آنچه رو دهد
بآن راضی باشد از میسر شدن آن امر یا میسر نشدن و از
مصالح و مفاسدی که بر شدن یا نشدن آن مترتب
شود زیرا که چون امر خود را بعالم الغیبات تفویض کرده است
باید که راضی باشد بهرچه واقع میشود و بداند که حق
تعالی خیر او را بهتر از او میداند **دوّم** آنکه بعد
از آنکه طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند و آنچه
بخاطر او محافد بآن عمل کند **سیّم** آنکه بعد از طلب
خیر مشورت کند با مؤمنی و بآنچه آن مؤمن میگوید

عمل کند چهارم آنکه استخاره بقرآن مجید یا بتسبیح
یا ببنادق یا برقاع بکنند بتفصیلی که مذکور خواهد
شد انشاء الله و اکثر احادیث استخاره دلالت بر قسم
اول میکند و بعضی از علمای ما مانند شیخ مفید و
ابن ادریس و محقق رضوان الله علیهم در جواز استخاره
بغیر سه قسم اول تردد و تامل کرده اند ابن ادریس
ترجیح عدم جواز داده اما اکثر اعاظم علماء تجویز کرده
و مستحسن دانسته اند و در کتب فقه و دعا کیفیت انواع
استخارات را ذکر کرده اند و شیخ شهید و سید بن
طاوس علیهما الرحمه طعن بسیار بر انکار ابن ادریس رحمه الله
نموده اند و حق آنست که چون احادیث در باب هر یک
وارد شده انکار نمیتوان کرد اما عمده استخاره آن سه
شق اولست که در این زمانها متروک گشت

مفتاح اول

در بیان نوع اول است یعنی استخاره مطلقه
سید علی بن طاوس بسند صحیح روایت کرده است از

بلکه

ابن

ابن ابی یعفور که گفت شنیدم از حضرت صادق ع
که میفرمودند در باب کیفیت استخاره که تعظیم و تمجید و
حمد خدا میکنی و صلوات بر محمد و آل و میفرستی پس میگوئی
اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنُ
الرَّحیمُ وَاَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ اَسْتَخیرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ پس حضرت
فرمودند اگر امر سختی باشد که بیم در آن داشته باشی صد
مرتبه بگو و اگر امر سهلی باشد سه مرتبه بگو مولف
گوید که ظاهر آنست که تکرار صد بار و سه بار در
استخیر الله برحمته باشد و اگر از اول دعا بخواند مکرره
که بهتر باشد و اگر پیش از دعا بگوید سُبْحانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ وَ
لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ و بعد از آن دعا را
بخواند شاید بد نباشد و ایضا بسندهای معتبر
از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که بگیرد تسبیح
خود را از خدا بطلبد و راضی باشد بهر چه از برای او

میسر گرداند البته خصلتی که خیر او است برای او
میسر گرداند و بسند معتبر دیگر روایت کرده است که
محمد طیار بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که بما رسید
است که شما فرموده اید که هر که در امری صد مرتبه
خیر خود را از خدا بطلبد البته خدا خیر او را نیز به او
بنماید حضرت فرمود که اگر یکنوبت خیر خود را بطلبد
خدا او را بخیر او برساند و باسانید صحیحه روایت
کرده است از حضرت امام محمد باقر که طلب خیر بعدد حروف کلمات
انا انزلناه نماز پیشین کردن خوبست و موافق
گویند که شاید مراد طلبیدن در سجده باشد و
در مکارم الاخلاق و کتاب من لا یحضر از حضرت
صادق ع روایت کرده اند که در استخاره باید که طلب
خیر خود کند از خداوند عالمیان در سجده آخر نافله
صبح صد و یک مرتبه باین نحو که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس بنجاه

بگوید اَستَخِیرُ اللهَ بِرَحمَتِهِ پس باز حمد و صلوات را
اعاده کند و پنجاه و یکمرتبه بگوید استخیر الله برحمته
و سید رضی الله عنه این روایت را نقل کرده است
و گفته است که بعد از آن میگوید اَللّٰهُمَّ یا اَبصَرَ
النّاظِرِینَ وَیا اَسمَعَ السّامِعِینَ وَیا اَسرَعَ الحاسِبِینَ
وَیا اَرحَمَ الرّاحِمِینَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخِر لِی فِی الاَمرِ
الَّذِی اَرَدتُ و اگر تواند حاجت خود را ذکر کند بعوض
باز بگوید لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ العَلِیُّ العَظِیمُ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ
الحَلِیمُ الکَرِیمُ رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَخِر لِی فِی الاَمرِ الَّذِی اَرَدتُ فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ
خِیَرَةً فِی عافِیَةٍ و باز اگر تواند حاجت خود را ذکر
کند بجای فی الامر الذی اردت و در مکارم الاخلاق
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
کرده است در کیفیت استخاره که دو رکعت نماز می
گذارد و بعد از نماز صد مرتبه میگوید اَستَخِیرُ الله

پس میگوید اللّهمّ انّی قد هممت بامرٍ قد علمته فان
کنت تعلم انّه خیرٌ لی فی دینی ودنیای وآخرتی
فیسّره لی وان کنت تعلم انّه شرٌّ لی فی دینی ودنیای
وآخرتی فاصرفه عنّی کرهت نفسی ذلک ام احبّت
فانّک تعلم ولا اعلم وانت علّام الغیوب پس عزم می
کند بر امری که اراده کرده است وایضا روایت کرده
است که مردی آمد بخدمت حضرت صادق ع وگفت
فدای تو شوم گاه هست کاری را میکنم و بعد از آن پشیمان
میشوم حضرت فرمود چرا استخاره نمیکنی گفت فدای تو
شوم چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز صبح را کردی
دستها را بلند کن برابر روی خود وبگو اللّهمّ انّک تعلم
ولا اعلم وانت علّام الغیوب فصلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ
وخر لی فی جمیع ما عزمت به من اموری خیار برکةٍ
وعافیةٍ وایضا از حضرت امام محمد باقر ع روایت
کرده است که چون حضرت علی بن الحسین صلوات الله

علیه

علیه اراده حج یا عمره یا بنده آزاد کردن یا خریدن
یا فروختن میکرد وضو میساخت و دو رکعت نماز
استخاره میکرد و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره
الرحمن و در دوم سوره حشر میخواند و بعد از نماز
دویست مرتبه طلب خیر از خدا میکرد یعنی میگفت
أَسْتَخِيرُ اللهَ يا أَسْتَخِيرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً فِي عَافِيَةٍ پس سوره
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس میخواند پس میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَدْ هَمَمْتُ بِاَمْرٍ
قَدْ عَلِمْتَهُ فَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
وَآخِرَتِي فَاقْدِرْهُ لِي وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
وَآخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ اعْزِمْ لِي عَلَى رُشْدِي وَ
اِنْ كَرِهَتْ اَوْ اَحَبَّتْ ذٰلِكَ نَفْسِي بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ حَسْبِيَ اللهُ وَ
نِعْمَ الْوَكِيلُ پس متوجه امر میشد و عزم بر آن مینمود
و سید بن طاوس رضی الله عنه بسند صحیح از حضرت

صادق

منا دوم روایتیکو همانست که هر کاه کسی مطلبی از
پروردکار خود خواهد طلب نماید باید که دوازده روز
بر شصت مسکین تصدق کند و هر مسکینرا یک صاع
کندم بدهد بصاع حضرت رسول الله ﷺ و چون شب شود
در ثلث اخر شب غسل کند و جامه کنده که پیش از ان
عبا از پوشند بپوشد و بعوض زیر جامه لنک ببندد
پس دو رکعت نماز بجا اورد و چون در رکعت دوم بسجده
اول برود لا اله الا الله بکوید و خدا را بعظمت و
بزرکواری یاد کند و دور نیست که اکر بعد از ذکر
سبحان تسبیحات اربع و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
بکوید خوب باشد پس کناهان خود را انچه در خاطر
داشته یاد کند و طلب امرزش و مغفرت بکند و اکر
جمله بکوید اللّهمّ اغفر لی ما تعلم من ذنوبی شاید بد
نباشد پس فرموده که چون سر بسجده دوم بکذارد
صد مرتبه بکوید اللّهمّ انّی استغفرک پس هر حاجت

کرداید از خدا بطلبد و هر مرتبه که بسجده رود
لنگر از زانو دور کند که زانو بزمین برسد و عقب
لنگر نیز میان ساقها و رانها داخل کند که مجموع
زانوها و قدمها بر خاک برسد و علی بن ابرهیم
در تفسیر و حمیری در قرب الاسناد روایت کرده اند از
علی بن اسباط که گفت رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع
و گفتم میخواهم بسفر مصر بروم و نمیدانم از راه دریا بروم
یا از راه صحرا حضرت فرمود برو بمسجد حضرت رسول صلی الله علیه
و آله در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز بجا آور
و بعد از آن صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و بروایت حمیری
صد مرتبه بگو و ایضا حمیری بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که هر که در بالای
سر مرقد منور حضرت امام حسین ع صد مرتبه طلب خیر از
خدا بکند پس حمد و تهلیل و تسبیح و تمجید و ثنا کند خدا را
البته خدا خیر او را برای او ظاهر گرداند یا در دل او بیندازد

مؤلف گوید که اگر چنین بگوید أستخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة صد مرتبه پس بگوید لا اله الا الله
الحلیم الکریم و سبحان الله و الحمد لله رب العالمین و
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم شاید عمل
بحدیث کرده باشد پس صلوات بفرستد و طلب خیر
خود از خدا بکند و دعائی که بعد از این مذکور میشود
بخواند چنانچه در حدیث صحیح مذکور است که راوی
گفت که شنیدم از حضرت صادق ع که در استخاره این
دعا میخواندند اللّهمّ انّی اسئلک [illegible] الیک و استخیرک
بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم و انت اعلم
بعواقب الامور و ان کان هذا الامر خیراً لی فی دینی
و دنیای و آخرتی فیسّره لی و بارک لی فیه و اعنّی
علیه و ان کان شرّاً فاصرفه عنّی و اقض لی الخیر حیث
ما کان و رضّنی به حتی لا احبّ تعجیل ما اخّرت
و لا تأخیر ما عجّلت و شیخ بسند صحیح از حضرت

الحمیری ره
کلینی ره
صادق

صادقه روایت کرده اند که دو رکعت نماز بکن و طلب
خیر خود از حق تعالی بکن پس بخدا سوگند یاد میکنم
که هیچ مسلمان طلب خیر از خدا نمیکند مگر آنکه البته
آنچه خیر او است خدا نزد او میآورد و ابن بابویه
و شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت صادق ع
روایت کرده اند که هر که هفتاد مرتبه این دعا را برای
طلب خیر از خدا بخواند البته خدا آنچه خیر او است برای
او مقدر میکرداند دعا اینست یَا اَبْصَرَ النَّاظِرِیْنَ
وَیَا اَسْمَعَ السَّامِعِیْنَ وَیَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِیْنَ وَیَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِیْنَ وَیَا اَحْکَمَ الْحَاکِمِیْنَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ
وَخِرْ لِیْ فِی الْاَمْرِ الَّذِیْ اَرَدْتُ و در مکارم الاخلاق
همین روایت را نقل کرده و در آخرش گفته پس بر و
بسجده و صد مرتبه بگو اَسْتَخِیْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهٖ وَاَسْتَقْدِرُ
اللّٰهَ فِیْ عَافِیَةٍ بِقُدْرَتِهٖ پس متوجه آن کار شو که هر چه
رو میدهد خیر تو در آنست و متهم مدار پروردگار

خود را در آنچه برای تو مقدر کند و بدان که خیر تو
البته در آنست و شیخ رحمه الله بسند معتبر از امام
محمد باقر رو روایت کرده که امام زین العابدین هر گاه
اراده امری میکردند مانند حج یا عمره یا فروختن یا
خریدن یا بنده آزاد کردن وضو میساختند بعد دو رکعت
نماز استخاره میکردند و در آن دو رکعت سوره حشر و
سوره رحمن میخواندند پس قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و قل هو الله احد میخواندند پس این دعا میخواندند
اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ الْاَمْرُ الَّذِیْ اَنَا اُرِیْدُ خَیْرًا لِیْ فِیْ دِیْنِیْ وَ
دُنْیَایَ وَ اٰخِرَتِیْ وَ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَ اٰجِلِهٖ فَیَسِّرْهُ لِیْ عَلٰی
اَحْسَنِ الْوُجُوْهِ وَ اَجْمَلِهَا وَ اِنْ كَانَ الْاَمْرُ الَّذِیْ اُرِیْدُ
شَرًّا لِیْ فِیْ دِیْنِیْ وَ دُنْیَایَ وَ اٰخِرَتِیْ وَ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَ اٰجِلِهٖ
فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ عَلٰی اَحْسَنِ الْوُجُوْهِ رَبِّ اعْزِمْ لِیْ عَلٰی رُشْدِیْ
وَ اِنْ كَرِهَتْ ذٰلِكَ اَوْ اَبَتْهُ نَفْسِیْ و بسند دیگر
نیز این روایت را نقل کرده اند و در دعا اختصاری

حضرت (margin)
واکملها (margin)
او ابته (margin)

کرده اند هذا روایت شیخ را اختیار کرده ایم و ابن بابویه
و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسند حسن صحیح از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده اند که هرگاه یکی از شما اراده کاری
بکند پس دو رکعت نماز بکند پس حمد کند خدا را و
ثنا کند بر او و صلوات فرستد بر محمد و آل او و بگوید
که اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ هٰذا الاَمْرُ خَیْراً لی فی دینی وَ دُنْیایَ
فَیَسِّرْهُ لی وَقَدِّرْهُ لی وَاِنْ کانَ غَیْرَ ذٰلِکَ فَاصْرِفْهُ
عَنّی. راوی پرسید که چه سوره در این دو رکعت بخوانم
فرمود که هر سوره که خواهی و اگر خواهی قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون بخوان و قل هو الله احد برابر است
با ثلث قرآن و ایضاً ابن بابویه بسند رحمة الله
علیهما روایت کرده اند که محمد بن خالد قسری سؤال
کرد از طریق استخاره فرمود که در آخر رکعت نماز شب
در سجده صد و یک مرتبه بگوید اَسْتَخیرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ و بروایت
دیگر صد مرتبه و بسند صحیح دیگر روایت کرده اند

از حضرت صادق
و کیفیتش

که هرگاه حضرت صادق علیه السلام اراده سفر میفرمودند
که غلامی یا چهارپایی بخرند یا امر آسانی یا حاجت سهلی
داشته اند برای آن هفت مرتبه طلب خیر از حق تعالی می
کردند و اگر امر عظیمی طلب میکردند صد مرتبه طلب خیر ارادهٔ ع
میکردند و اقلش أستخیر الله برحمته است و در قرب
الاسناد بسند معتبر از حضرت امام موسی ع روایت کرده است
که مردی بخدمت آن حضرت آمد و گفت فدای تو شوم میخواهم
بسفری بروم میخواهم مرا استخاره تعلیم نمائی که اگر خیر من
در این سفر باشد حق تعالی برای من میسر گرداند و اگر برای
من شر باشد از من بگرداند حضرت فرمود که میخواهی
باین سفر بروی گفت آری فرمود که این دعا بخوان تا برای
تو خیر شود اَللّٰهُمَّ قَدِّرْ لِی مَا أَرَدْتُ وَ اجْعَلْهُ خَیْراً
لِی فَإِنَّکَ تَقْدِرُ عَلَی ذَلِکَ و سید بن طاوس رضی الله
عنه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
بعد از نماز استخاره این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ إِنَّکَ

خلقت أقواماً يلجؤون إلى مطالع النجوم لأوقات حركاتهم
وسكونهم وتصرفهم وعقدهم وحلهم وخلقتني
أبرأ إليك من اللجأ إليها ومن طلب الاختيار بها
وأتيقن أنك لم تطلع أحداً على غيبك في مواقعها و وأيقن
لم تسهل له السبيل إلى تحصيل أفاعيلها وأنك قادر
على نقلها في مداراتها في مسيرها عن السعود العامة
والخاصة إلى النحوس ومن النحوس الشاملة والمفردة
إلى السعود لأنك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك
أم الكتاب ولأنها خلق من خلقك وصنعة من صنيعك [illegible]
وما أسعد من اعتمد على مخلوق مثله واستمد الا
ختيار لنفسه وهم أولئك ولا أشقى من اعتمد على
الخالق الذي أنت هو لا إله إلا أنت وحدك لا شريك
لك بما تملكه وتقدر عليه وأنت به مليء وعنه غني ويسألك
وإليه غير محتاج وبه غير مكترث من الخيرة الجامعة
للسلامة والعافية والغنيمة لعبيدك من حدث

الدنيا التي جعلت فيها ضرورة لمعاشي ومن خزائن
الآخرة التي جعلت فيها معولي وأنا هو عبدك اللهم
فتول يا مولاي اختيار خير الأوقات لحركتي وسكوني
ونقضي وإبرامي وسيري وحلولي وعقدي وحلي
واشدد بتوفيقك عزمي وسدد فيه رأيي وألقه
في فؤادي حتى لا يتقدم ولا يتأخر وقته عني وأبرم
من قدرتك كل نحس يعرض بحاجز حتم من قضائك يحول
بيني وبينه ويباعده مني ويباعدني منه في ديني
ونفسي ومالي وولدي وإخواني وامنحني به من الولد
والأموال والبهائم والأعراض وما أحضره وما أغيب
عنه وما أستصحبه وما أخلفه وحصني من كل ذلك
بعياذك من الآفات والعاهات والبليات
من التغيير والتبديل والنقمات والمثلات ومن
كلماتك الحالقة ومن جميع المخلوقات ومن سوء القضاء
ومن درك الشقاء ومن شماتة الأعداء ومن الخطاء

وأبرم

المخوفات

والأ [illegible]

وَأَنْزِلْ لِي فِي قَوْلِي وَفِعْلِي وَمِلْكِي الصَّوَابَ فِيهِمَا بِلَا حَوْلٍ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِلَا حَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ بِلَا حَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ
الْعَظِيمِ بِلَا حَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حِرْزِي وَعَسْكَرِي
بِلَا حَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُلْطَانِي وَمَقْدِرَتِي
بِلَا حَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزِّي وَمَنَعَتِي اللَّهُمَّ أَنْتَ
الْعَالِمُ بِجَوَائِلِ فِكْرِي وَجَوَائِسِ صَدْرِي وَمَا يَتَرَجَّحُ
فِي الْإِقْدَامِ عَلَيْهِ وَالْإِحْجَامِ عَنْهُ مَكْنُونُ ضَمِيرِي وَ
سِرِّي وَأَنَا فِيهِ بَيْنَ حَالَيْنِ خَيْرٍ أَرْجُوهُ وَشَرٍّ أَتَّقِيهِ
وَسَهْوٍ يُحِيطُ بِي قَدْرِي أَحُوطُهُ فَإِنْ أَصَابَتْنِي الْخِيَرَةُ الَّتِي أَصَابَتْنِي
أَنْتَ خَالِقُهَا لِتَهَبَهَا لِي لَا حَاجَةً بِكَ إِلَيْهَا بَلْ بِجُودٍ
مِنْكَ عَلَيَّ بِهَا غَنِمْتُ وَسَلِمْتُ وَإِنْ أَخْطَأَتْنِي خَسِرْتُ
وَعَطِبْتُ اللَّهُمَّ فَأَرْشِدْنِي إِلَى مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ مِنْهُ م
وَأَسْعِدْنِي فِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ وَاقْضِ بِالْخَيْرِ
وَالْعَافِيَةِ وَالسَّلَامَةِ التَّامَّةِ الشَّامِلَةِ الدَّائِمَةِ لِي

نبيه ختم اقتضيتك ونافذ عزمك ومشيتك واني — واني د

اين مؤملك من العلم الا وهو من مباديه وعواقبه و

فواتحه وخواتمه ومسالمه ومعاطبه ومن القدرة عليه — مفاتحه د

واقترانه لا عالم ولا قادر على اسداده سواك فانا

استهديك واستعينك واستقضيك واستكفيك

وادعوك وارجوك وما تاه من استهداك ولا ضل

من استفتاك ولا دهي من استكفاك ولا حال من دعاك — خاب د

ولا اخفق من رجاك فكن لي عند احسن ظنوني واما لي

فيك يا ذا الجلال والاكرام انك على كل شيء قدير

واستنهضت لمهمتي هذا ولكل مهم اعوذ بالله

السميع العليم من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين

اياك نعبد واياك نستعين اهدنا الصراط المستقيم

صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا

الضالين قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس

من

من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور
الناس من الجنة والناس قل اعوذ برب الفلق من
شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر
النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد قل
هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد يس بخوان سوره تبارك الذي بيده
الملك را تا اخر سوره پس بكو واذا قرات القران
جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة
حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه
وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك في القران وحده
ولوا على ادبارهم نفورا اولئك هم الغافلون افرايت
من اتخذ الهه هواه واضله الله على علم وختم على سمعه
وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله
افلا تذكرون ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه فاعرض
عنها ونسي ما قدمت يداه انا جعلنا على قلوبهم

اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان تدعهم الی
الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا الذین قال لهم الناس ان
الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا
حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل
لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل
عظیم فاضرب لهم طریقا فی البحر یبسا لا تخاف درکا
ولا تخشی لا تخافا اننی معکما اسمع واری وسنهم
لیشی هذا ولکل مهم اسماء الله العظام وکلماته
التوام وفواتح سور القران وخواتیمها ومحکماتها و
قوارعها وکل عوذة تعوذ بها نبی او وصی فحم شاهت
الوجوه وجوه اعدائی فهم لا یبصرون وحسبی الله
ثقة وعدة ونعم الوکیل والحمد لله رب العالمین و
صلواته علی سیدنا محمد رسوله واله الطاهرین و
ایضا سید رضی الله عنه بسند معتبر روایت کرده
از حضرت امام رضا ع که روایت کرد از پدرش از حضرت

مؤلف گوید که ذکر در ابتداء سوره معوذتین و قل هو الله نیز بسم الله الرحمن الرحیم را اعاده کند شاید
بد نباشد و از فحوای دعا ظاهر میشود که از برای دفع شر اعادی نیز این دعا را خواندن مناسب است

امام جعفر صلوات الله علیهما که هر که این دعا را بخواند
در کاری که اراده کند ببیند در عاقبت آن کار مکر آنچه
خواهد بود و سند دارد که دعا این است اَللّٰهُمَّ اِنَّ خِیَرَتَکَ
تُنیلُ الرَّغائِبَ و تُجزِلُ المَواهِبَ و تُطیِّبُ المَکاسِبَ و تُغنِمُ
المَطالِبَ و تَهدی اِلی اَحمَدِ العَواقِبِ و تَقی مِن مَحذُورِ النَّوائِبِ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَستَخیرُکَ فیما عَقَدَ عَلَیهِ رَایی و قادَنی اِلَیهِ
هَوایَ فَاَسئَلُکَ یا رَبِّ اَن تُسَهِّلَ لی مِن ذلِکَ ما تَعَسَّرَ
وَ اَن تُعَجِّلَ مِن ذلِکَ ما تَیَسَّرَ وَ اَن تُعطِیَنی یا رَبِّ الظَّفَرَ
فیما اَستَخَرتُکَ فیهِ و عَوناً بِالاِنعامِ فیما دَعَوتُکَ
وَ اَن تَجعَلَ یا رَبِّ بُعدَهُ قُرباً و خَوفَهُ اَمناً و مَحذُورَهُ
سِلماً فَاِنَّکَ تَعلَمُ وَ لا اَعلَمُ و تَقدِرُ وَ لا اَقدِرُ وَ اَنتَ
عَلّامُ الغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِن یَکُن هذَا الاَمرُ خَیراً لی فی
عاجِلِ الدُّنیا اَوِ الآخِرَةِ فَسَهِّلهُ لی وَ یَسِّرهُ عَلَیَّ وَ اِن آجلة
لَم یَکُن فَاصرِفهُ عَنّی وَ اقدِر لی فیهِ الخِیَرَةَ اِنَّکَ عَلی کُلِّ
شَیءٍ قَدیرٌ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ و سید رحمه الله روایت ایضاً

کرده است از محمد بن مظفر که آخر فرمانی که از حضرت امام
صاحب الامر صلوات الله علیه بیرون آمد این دعای
استخاره بود که باید بآن عمل کنند و در نمازهای حاجت
نیز
میتوان خواندن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک باسمک الذی عزمت به علی السموات
والارض فقلت لهما ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا
طائعین وباسمک الذی عزمت به علی عصا موسی
فاذا هی تلقف ما یافکون واسئلک باسمک الذی
صرفت به قلوب السحرة الیک حتی قالوا آمنا برب
العالمین رب موسی وهرون انت الله رب العالمین
واسئلک بالقدرة التی تبلی بها کل جدید وتجدد
بها کل بال واسئلک بکل حق هو لک وبکل حق جعلته
علیک ان کان هذا الامر خیرا لی فی دینی ودنیای
وآخرتی ان تصلی علی محمد وآل محمد وتسلم علیهم تسلیما
وتهیئه لی وتسهله علی وتلطف لی فیه برحمتک یا ارحم
الراحمین

وتهیئه لی

الرّاحمين وان كان شرّاً لي في ديني ودنياي واخرتي
ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وتسلّم عليهم تسليما وان
تصرفه عنّي بما شئت وكيف شئت وترضيني بقضائك
وتبارك لي في قدرك حتّى لا احبّ تعجيل شيء اخّرته
ولا تاخير شيء عجّلته فانّه لا حول ولا قوّة الّا بك يا
عليّ يا عظيم يا ذا الجلال والاكرام وشيخ طوسي
عليه الرحمة در مجالس روايت كرده است از امام علي النقي
عليه السّلام كه حضرت صادق فرمود كه پدرم صلوات
الله عليه در استخاره اين دعا را ميخواند اللّهمّ انّ
خيرتك تنيل الرّغائب وتجزل المواهب وتغنم المطالب
وتطيب المكاسب وتهدي الى احمد العواقب وتقي
محذور النوائب اللّهمّ يا مالك الملوك استخيرك
فيما عزم رايي عليه وقادني هواي اليه فسهّل من ذلك
ما توعّر وتيسّر منه ما تعسّر واكفني في استخارتي
المهمّ وادفع عنّي كلّ ملمّ واجعل عاقبة امري غنماً

وانه (margin)

يا مولاي (margin)

مَحْذُورَهُ سِلْماً وَبُعْدَهُ قُرْباً وَجَدْبَهُ خِصْباً اَعْطِنِي يَا رَبِّ
لِوَاءَ الظَّفَرِ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيهِ وَوَفْرَ الْاِنْعَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ
لَهُ وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْاِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَ
لَا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ و
شیخ کفعمی ره در کتاب بلد الامین از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه از جمله ادعیه مسائل این دعا را برای
استخاره رقاع ذکر کرده است اَللّٰهُمَّ اِنَّ خِيَرَتَكَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ
فِيهِ تُنِيلُ الرَّغَائِبَ وَتُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ وَتُغْنِمُ الْمَطَالِبَ
وَتُطَيِّبُ الْمَكَاسِبَ وَتَهْدِي اِلَى اَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ وَتَسُوقُ
اِلَى اَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ وَتَقِي مَخُوفَ النَّوَائِبِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَقَادَنِي عَقْلِي اِلَيْهِ
فَسَهِّلِ اللّٰهُمَّ مِنْهُ مَا تَوَعَّرَ وَيَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ وَاكْفِنِي
فِيهِ الْمُهِمَّ وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍّ وَاجْعَلْ رَبِّ عَوَاقِبَهُ
غُنْماً وَخُوفَهُ سِلْماً وَبُعْدَهُ قُرْباً وَجَدْبَهُ خِصْباً وَاَرْسِلِ وَمَخُوفَهُ
اَللّٰهُمَّ اِجَابَتِي وَاَنْجِحْ طَلِبَتِي وَاقْضِ حَاجَتِي وَاقْطَعْ

عوائدهما وامنع جوائفها واعطنى اللهم لواء الظفر بالخيرة فيما استخرتك ووفور الغنم فيما دعوتك وعوائد الافضال فيما رجوتك واقرنه اللهم بالنجاح وحطه بالصلاح وارنى اسباب الخيرة واضحة واعلام غنمها لائحة واشدد خناق شرها وانعش صريع نبترها وبين اللهم ملتبسها واطلق محتبسها ومكن اسها حتى تكون خيرة مقبلة بالغنم مزيلة للغرم عاجلة النفع باقية الصنيع انك ولى المزيد مبتدئ بالجود

و در محاسن برقى روايت كرده است كه هر كه طلب خير از خدا كند بايد كه در دو شر طاق باشد وايضا

از حضرت صادق ع روايت كرده است كه پدرم هر گاه اراده استخاره ميكرد وضو ميساخت و دو ركعت نماز ميكرد و مشغول استخاره ميشد واگر در اثناى استخاره كسى با او سخن ميگفت سبحان الله ميگفت و سخن با كسى نميگفت تا فارغ ميشد وايضا در محاسن

از حضرت رسول

ومكارم

ومکارم از آنحضرت روایت کرده اند که هرگاه استخاره
این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَستَخیرُکَ بِرَحمَتِکَ وَاَستَقدِرُکَ
الخَیرَ بِقُدرَتِکَ عَلَیهِ لِاَنَّکَ عالِمُ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ
الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ فَاَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَآلِهِ
کَما صَلَّیتَ عَلیٰ اِبرٰهیمَ وَآلِ اِبرٰهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ
اَللّٰهُمَّ اِن کانَ هٰذَا الاَمرُ الَّذی اُریدُ خَیراً لی فی دینی
وَدُنیایَ وَآخِرَتی فَیَسِّرهُ لی وَاِن کانَ غَیرَ ذٰلِکَ فَاصرِفهُ
عَنّی وَاصرِفنی عَنهُ وایضا هردو از آنحضرت روایت
کرده اند که فرمود که بعضی از پدران من هرگاه استخاره
این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ لَکَ الحَمدُ وَبِیَدِکَ الخَیرُ کُلُّهُ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَستَخیرُکَ بِرَحمَتِکَ وَاَستَقدِرُکَ الخَیرَ
بِقُدرَتِکَ عَلَیهِ لِاَنَّکَ تَقدِرُ وَلا اَقدِرُ وَتَعلَمُ
وَلا اَعلَمُ وَاَنتَ عَلّامُ الغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ فَما کانَ مِن اَمرٍ
هُوَ اَقرَبُ مِن طاعَتِکَ وَاَبعَدُ مِن مَعصِیَتِکَ وَاَرضیٰ
لِنَفسِکَ وَاَقضیٰ لِحَقِّکَ فَیَسِّرهُ لی وَیَسِّرنی لَهُ وَما

مِنْ غَيْرِ ذٰلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ فَإِنَّكَ لَطِيفٌ
لِذٰلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ و در محاسن بسند معتبر
روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر فرمود
که هرگاه امر عظیم اراده کنم صد مرتبه طلب خیر خود
از حقتعالی میکنم واگر غلام خریدن یا مانند آن باشد
سه مرتبه طلب خیر میکنم میگویم اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِاَنَّكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ الْاَمْرَ الَّذِي
اُرِيدُهُ خَيْرٌ لِي فَيَسِّرْهُ لِي وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ
لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي اِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ
لِي وَرَضِّنِي فِي ذٰلِكَ بِقَضَائِكَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ
وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَقْضِي وَلَا اَقْضِي اِنَّكَ اَنْتَ
عَلَّامُ الْغُيُوبِ مؤلف گوید که ظاهر آنست
که بیش از این دعا صد مرتبه یا سه مرتبه اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ
بِرَحْمَتِهِ میگوید وبعد از آن این دعا بخواند واحتمال
دارد که این دعا را مکرر بخواند وایضاً بسند معتبر میگوید

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
میگوئی در دعای استخاره استخیر الله واستعینه بالله
واتوکل علی الله ولا حول ولا قوة الا بالله اردت
امرا فاسئل الهی ان کان ذلک له رضی ان تقضی لی
حاجتی وان کان له سخطا ان تصرفنی عنه وان توفقنی
لرضاه و کلینی و شیخ رضی الله عنهما بسند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که در وقتی گفت
نماز بکن و طلب خیر از علام الغیوب بکن پس بخدا سوگند
یاد میکنم که هر مسلمانی که خیر خود را از خدا بطلبد
البته بخیر او مستبصر و محاور د میشود و کفعمی
و دیگران بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را سری بود که کم
کسی بر آن مطلع شد و میگفت و من نیز میگویم که لعنت
خدا و ملائکه و صالحین خلق خدا بر کسی باد که افشا

سر این حضرت عنایت مکن نزد کسیکه اعتقاد بر او نداشته
باشد پس کتمان کنید از آنحضرت زاید بدرستی که
که پیغمبر فرمود یا علی بخدا سوگند یاد میکنم که میگویم بتو مکرر
آنچه گوشهای من شنیده و دل من حفظ کرده و دیده
من بسوی آن نظر کرده پس زنهار یا علی سر مرا فاش مکن
بدرستی که من از خداوند خود استدعا کرده ام که هر که افشای
سر من بکند نزد خود حرام است بر من بچشاند باو گرمی آتش
جهنم را پس فرمود که یا علی بعضی از مردم اگر عمل کنند بآنچه
من میگویم در نهایت مرتبه عبادت خواهند بود هر
چند عبادت ایشان کم باشد و اگر نه ترس آن داشتم
که طاغیان این امت دین مرا ضایع کنند هر آینه این
سر را فاش میکردم و بهمه کس میگفتم لهذا نمیخواهم که
غیر کسیکه محل اعتماد باشد بداند بدانکه در شب معراج
چون باسمان هفتم رسیدم نظر کردم بسوی فرجه از عرش
الهی که نور از آن میجوش مانند یکی که در جوش

باشد

باشد پس چون خواستم که برگردم مرا نزد آن فرج بشارت میدهند
وندا بمن رسید که ای محمد پروردگار تو را سلام میرساند
و میگوید که تو گرامیترین خلقی نزد او و نزد او علی هست
که از جمیع پیغمبران و امتهای ایشان پنهان داشته است
بغیر تو و هر کسرا بپسندی تو و از امت تو و کسی که او بپسندد
بعد از خود و چون ایندعاها بخوانند گناهان ایشان
بر طرف شود و بعد از آن آن گناه نرسند و باین سبب امر میکنیم
ترا بکتمان آن تا آنکه عمل کنند بآن اکتفا باین نکنند و
دست از سایر طاعات بر ندارند پس در ضمن دعاها فرمود
که یا محمد هر که او را دو امر پیش آید و خواهد که من از برای
او اختیار کنم هر یکرا که نزد من پسندیده تر است پس
وقتی که اراده آن امر میکند این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ
اَخْتَرْ لِی بِعِلْمِکَ وَوَفِّقْنِی لِرِضَاکَ وَمَحَبَّتِکَ اَللّٰهُمَّ
اَخْتَرْ بِقُدْرَتِکَ وَجَنِّبْنِی بِعِزَّتِکَ مَقْتَکَ وَسَخَطَکَ
اَللّٰهُمَّ اَخْتَرْ لِی فِیمَا اُرِیدُ مِنْ هٰذَیْنِ الْاَمْرَیْنِ وَ نام

میسّر ان دو امر را ایسرهما الیّ واحبّهما الیک واقربهما
منک وارضاهما لک اللّهمّ انّی اسئلک بالقدرة
التی زویت بها علم الاشیاء کلّها عن جمیع خلقک
فانّک عالم بهوای وسرّی وعلانیتی فصلّ علی محمّد
وآل محمّد واسفع بناصیتی الی ما تراه لک رضی ولی واله
صلاحا فیما استخیرک فیه حتّی تلزمنی من ذلک امرا
ارضی فیه بحکمک واتّکل فیه علی قضائک واکتفی فیه
بقدرتک ولا تقلبنی وهوای لهواک مخالف ولا
ما ارید لما ترید مجانب اغلب بقدرتک التی تقضی
بها ما احببت علی من احببت هواک هوای ویسّرنی
للیسری التی ترضی بها عن صاحبها ولا تخذلنی بعد
تفویضی الیک امری برحمتک التی وسعت کلّ شیء
اللّهمّ اوقع خیرتک فی قلبی وافتح قلبی للزومها یا
کریم آمین ربّ العالمین پس هر کاه این دعا بخواند
من اختیار میکنم برای او منافع او را در دنیا وآخرت

وبتد

و شیخ بسند موثق از زراره روایت کرده است
که گفت بخدمت امام محمد باقر عرض کردم که هرگاه اراده
کاری داشته باشم و خواهم طلب خیر خود از پروردگار
خود بکنم چگونه بگویم حضرت فرمود که هرگاه اراده
استخاره داشته باشی روز سه شنبه و چهارشنبه و
پنج شنبه را روزه بدار پس در روز جمعه در مکان پاکیزه
دو رکعت نماز بکن پس نظر کن بجانب آسمان و صد
مرتبه بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ
الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ اَنْتَ عالِمُ الْغَیْبِ اِنْ کانَ هٰذَا الْاَمْرُ خَیْراً
لی فیما اَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ فَیَسِّرْهُ لی وَ بارِکْ لی فیهِ وَافْتَحْ لی
بابَهُ وَاِنْ کانَ ذٰلِکَ شَرّاً لی فیما اَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ
فَاصْرِفْهُ عَنّی بِما تَعْلَمُ فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ
وَ تَقْدِرُ وَلا اَقْدِرُ وَ تَقْضی وَلا اَقْضی وَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ
و ایضا سید بسند معتبر از کتاب دلائل حمیری روایت
کرده است از محمد بن سهل قمی که گفت من در مکه معظمه

بمجاور بودم پس رفتم بمدینه و بخدمت حضرت امام
محمد تقی علیه السلام مشرف شدم و اراده داشتم که
از حضرت سوال کنم از برای شرف و کرامت جامه را
که میپوشم و میسر نشد که سوال کنم تا وداع کردم و
بیرون آمدم و خواستم که از مدینه بیرون روم باز
بخاطرم رسید که عریضه بنویسم و رفتم بمسجد حضرت
رسول و دو رکعت نماز استخاره کردم و بعد از آن
صد مرتبه طلب خیر از خدا کردم پس در دلم افتاد که آنرا
را نفرستم نامه را دریدم و از مدینه بیرون رفتم چون
روانه شدم دیدم که خادم آنحضرت در میان قطارها
میگردد و سوال از مکان من میکند چون بمن رسید
دستمالی بمن داد و پارچه ای با خویش قماش در میان
آن پیچیده بود و گفت مولای تو این جامه ها را برای تو
فرستاده است پس احمد بن محمد بن عیسی راوی حدیث
گفت که در آن وقت محمد بن سهل برحمت الهی رفت

که عریضه بنویسم عرض نویسم و جامه سوال کنم چون فراموش کرده داشتم

که در دو

و من

و من او را غسل دادم و در همان جامها که حضرت فرستاده
بودند او را کفن کردم مؤلف گوید که در این حدیث
چندین معجزه از آنجناب منکشف شده اول آنکه حضرت ظاهره
دانسته که در خاطر او بوده که جامه طلب کند برای او
فرستادند دویم آنکه اشعار فرمودند که اجل او نزدیک
شده که احتیاج بجامه دوخته ندارد سیم آنکه جامها
بعد از ثواب غیر دوخته کفن برای او فرستادند زیرا که میدانستند
که در کفن محتاج بانها خواهد شد و سید رحمه الله این
حدیث را برای این نقل کرده است که استخاره و نماز آن
این چنین میان محدثین مشهور و معروف بوده و این نیز بمضمون شیعه ۳
این بنده آنست و شیخ مفید علیه الرحمه در رساله
غریه گفته است که از برای استخاره نماز مفردی هست
و آن دو رکعت است با هر سوره که خواهد و بعد از سلام
حمد و ثنای خدا بگوید و صلوات بر محمد و آل بفرستد و
بگوید اللّهمّ انّی استخیرک بعلمک و قدرتک و استخیرک

برند

بِعِزَّتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ اَقْدِرُ
وَتَعْلَمُ وَلاَ اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ
هٰذَا الْاَمْرُ الَّذِی عَرَضَ لِی خَيْرًا فِی دِينِی وَدُنْيَایَ وَآخِرَتِی
فَيَسِّرْهُ لِی وَبَارِكْ لِی فِيهِ وَاَعِنِّی عَلَيْهِ وَاِنْ كَانَ شَرًّا
لِی فَاصْرِفْهُ عَنِّی وَاقْضِ لِیَ الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ وَرَضِّنِی بِهِ حَتّٰی
لاَ اُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا اَخَّرْتَ وَلاَ تَاْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ و اگر
خواهد بگويد اَللّٰهُمَّ خِرْ لِی فِيمَا عَرَضَ لِی وَاقْضِ لِی
بِالْخِيَرَةِ فِيمَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ منك د
و شيخ طوسی در کتاب مبسوط و نهايه گفته است
که سنت است آدمی را در امری که اراده کند دو رکعت نماز
بکند و هر سوره که خواهد در آن دو رکعت بخواند و
قنوت بخواند و رکوع کند و تمام بخواند و بعد از سلام هر
دعا که داند بخواند و مطلب خود را بطلبد پس سجده
رود و صد نوبت بگويد اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ فِی جَمِيعِ اُمُورِی
و ابن ادريس و ابن البراج رحمة الله عليهما نيز دليلت

بابن گفته‌اند و سید به سند صحیح از محمد بن مسلم روایت
کرده است که اراده شام کردم و خدمت حضرت صادق ع مرا
امر کرد که این دعا بخوانم اللهم ان هذا الوجه الذی
هممت به خیرا لی فی دینی و دنیای و عاقبة امری
و لجمیع المسلمین فیسره و بارک لی فیه و ان کان ذلک
شرا لی فاصرفه عنی الی ما هو خیر لی منه فانک تعلم
و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب
پس صد مرتبه بگویم استخیر الله چون چنین کردم قصد
شام برطرف شد و همان نصیبه را صرف سفر حج کردم و
ایضا راوی گفت که استخیر الله را در امر عظیم صد مرتبه
بگوید و در امر سهل سه مرتبه و ابن براج قدس سره
در مهذب گفته است که هر یک از انواع استخاره
ابتدا کند دو رکعت نماز بجا آورد چنانچه سایر نوافل
را میکنند و فارغ شد از دو رکعت دو تم میخواند و صد مرتبه
آخر نماز صد مرتبه بگوید استخیر الله پس بگوید لا اله

کان

الا

إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ رَبِّ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخِرْ لِي فِي الْأَمْرِ
الَّذِي أَرَدْتُ مؤلف گوید که احادیث در
باب این نوع استخاره بسیار است و چون بعضی با
آنچه مذکور شد اختلاف بسیار داشت همین اکتفا نمود
و همینها از آنها که ذکر کردیم اگر عمل کنند خوبست و اگر
بعضی را با بعضی ضم کنند تمامتر خواهد بود و از جمله
دعاها که مناسب این نوع است دعای صحیفه کامله است
و آن اینست اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ لَنَا بِالْخِيَرَةِ وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الْاِخْتِيَارِ
وَاجْعَلْ ذٰلِكَ ذَرِيعَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَ
التَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ فَأَزِحْ عَنَّا رَيْبَ الْاِرْتِيَابِ
وَأَيِّدْنَا بِيَقِينِ الْمُخْلِصِينَ وَلَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ
عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَكَ وَنَكْرَهَ مَوْضِعَ رِضَاكَ وَ
نَجْنَحَ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ

العافية

العافية حبب الينا ما نكره من قضائك وسهل علينا
ما نستصعب من حكمك والهمنا الانقياد لما اوردت
علينا من مشيتك حتى لا نحب تاخير ما عجلت ولا
تعجيل ما اخرت ولا نكره ما احببت ولا نتخير ما كرهت
واختم لنا بالتي هي احمد عاقبة واكرم مصيرا انك
تفيد الكريمة وتعطي الجسيمة وتفعل ما تريد وانت
على كل شيء قدير وظاهرا در قسم دوم نيز خواندن
مناسب باشد و در اغسال ديگر بعد از اين مفتاح
دوم در بيان نوع دوم استخاره است كه بعد از
عمل استخاره رجوع بقلب خود كند و آنچه در خاطرش
رجحان بهم رساند بآن عمل نمايد چنانچه شيخ طوسى
قدس الله روحه در كتاب اقتصاد گفته است كه كسى كه
اراده امرى كند سنتست كه غسل كند و دو ركعت
نماز بجا آورد و بعد از آن بسجده رود و صد مرتبه بگويد
استخير الله تعالى في جميع اموري خيرة في عافية

ثم

آنچه در دلش افتد بآن عمل کند و کلینی و شیخ
به سند و طبرسی بسند کالصحیح روایت کرده اند که ابن
اسباط اراده مصر داشت و در راه دریا و صحرا مردد
بود حضرت امام رضا ع فرمود که برو بمسجد در غیر وقت
نماز واجب دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه طلب خیر خود را
از خدا بکن و آنچه در دلت می افتد بآن عمل کن و بروایت
حسن بن ابرهیم صد و یک مرتبه أَستخیرُ اللهَ بگوید و آن أَستخیرُ اللهَ
برحمته خیرةً فی عافیةٍ بگوید بهتر است و شیخ رحمه الله
در مجالس بسند معتبر از امام علی النقی ع روایت کرده است
که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه یکی
از شما را حاجتی عارض شود باید که مشورت بکند
فرمود که بعد از نماز فریضه بسجده رود و صد مرتبه
بگوید اللّهمّ خِر لی پس متوسل شود بما و صلوات
فرستد بر ما و ما را شفیع گرداند در درگاه خدا پس
آنچه حقتعالی بدلش می اندازد بآن عمل کند و اینها که

حضرت ۲

۱۲

اگر

اگر بفارسی بگوید نیز خوبست و اگر بگوید که اللهم انی
اتوسل الیک بنبیک نبی الرحمة محمد و اهل بیته
الطاهرین و اتوجه بهم الیک ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تلهمنی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای و
آخرتی خیرة فی عافیة برحمتک یا ارحم الراحمین
خوب باشد و در تحفة الرضاء مذکور است
که هر گاه امری را اراده کنی دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه
استخیر الله بگو پس بگو لا اله الا الله العلی العظیم لا
اله الا الله الحلیم الکریم رب بحق محمد و علی خر لی
فیما اردت للدنیا و الآخرة خیرة من عندک لک فیه
رضی و لی فیه صلاح فی عافیة یا ذا المن و الطول
در تحفه دعا
پس استخاره را بر زبان قرار کیرد بعمل آورد و سید
رضی الله عنه باسناد صحیح و معتبر روایت کرده است
که مردی خدمت حضرت امام محمد جواد عریضه در باب فروختن
ملکی نوشته بود و جواب نوشتند که دو رکعت نماز بجا

بخدمت

آورد

او رو بعد از آن صد مرتبه طلب خیر نود از خدا و بکن
و در اثنای استخاره با کسی سخن مکو تا صد مرتبه تمام
شود پس اگر در دلت بیفتد فروختن آن ملک بفروش
و دیلمی در مجموع من الاخبار روایت کرده است
که حضرت رسالت پناه با انس گفت که هر وقت که امری را
اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از پروردگار خود بکن
پس آنچه در دل تو بیفتد بکن که خیر تو در آنست و
ایضا در صحاح عامه از جابر بن عبد الله روایت
کرده اند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
استخاره را تعلیم ما میکرد چنانچه سوره قرآن را تعلیم
میکرد و میگفت هر یک از شما که امری را قصد نماید
دو رکعت نماز بکند در غیر وقت نماز واجب پس
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَخِیرُکَ بِعِلْمِکَ وَاَسْتَقْدِرُکَ
بِقُدْرَتِکَ وَاَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیمِ فَاِنَّکَ تَقْدِرُ
وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ

اللهم

اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی و
معاشی وعاجل امری واجله فاقدره لی ویسره
ثم بارک لی فیه اللهم وان کنت تعلم ان هذا الامر
شر لی فی دینی ومعاشی وعاجل امری واجله فاصرفه
عنی واصرفنی عنه واقدر لی الخیر حیث کان ورضنی
به وحاجت خود را نام ببرد و شیخ مفید در مقنعه
وعلی بن بابویه در رساله گفته اند که هرگاه امری
اراده کنی دو رکعت نماز بکن وصد و یکمرتبه استخیر الله
برحمته بگو و بعد از آن بخوان لا اله الا الله العلی
العظیم لا اله الا الله الحلیم الکریم رب بحق محمد وآل
محمد صل علی محمد وآله وخر لی فیما اردت للدنیا و
الآخرة خیرة منک فی عافیة پس هرچه بدل عزم کنی
بعمل آورد و کلینی و شیخ و سید و غیر ایشان بسند
معتبر روایت کرده اند که اسحق بن عمار بخدمت حضرت
صادق ع عرض کرد که بسیار واقع میشود که امری را

اراده میکنم و بعضی مرا امر میکنند بان و بعضی نهی
میکنند بعضی تفویض بدیگری هرکاه چنین باشد دو رکعت
نماز بکن و صد و یکمرتبه طلب خیر از خدا بکن پس نظر
کن که کدام یک در دل تو راجح است پس از آن بکن که
انشاء الله خیر تو در آن است و باید که طلب خیر را
در عافیت بکنی بانکه بکوئی أَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً
فِي عَافِيَةٍ زیرا که بسا باشد که خیر آدمی در بریدن
دستش باشد یا در مردن فرزندش یا در رفتن مال
او یعنی هر چند خیر در اینها باشد امّا چون اکثر خلق
بر این بلاها صبر نمیتوانند کرد و حقتعالی قادر است
بر آنکه خیر را در امری قرار دهد که مقرون بعافیت
از این بلاها باشد پس در دعا باید که شرط عافیت
بکنند و بسند صحیح از امام محمد باقر ع
روایت کرده است که هر بنده که صد مرتبه طلب خیر از
حقتعالی بکند آنچه خیر او است در دلش می افتد میکوید البته

اللهم عالم الغیب والشهادة ان کان ما اریدت خیرا لامر دنیای وآخرتی وعاجل امری وآجله فیسره لی وافتح لی بابه ورضنی فیه بقضائک و در عیون اخبار الرضا از آنحضرت روایت کرده است که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود در استخاره که بعد از نماز فریضه بسجده میرود و صد مرتبه میگوید اللهم خر لی پس متوسل میشود برسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم و صلوات برایشان میفرستد و ایشان را شفیع خود میگرداند پس آنچه بعد از آن خدا او را الهام کند عمل بآن میکند زیرا که البته از جانب حقتعالی است

مفتاح سیم استخاره بجناب الهی است بامشورت کردن با مؤمنان بدانکه مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل از اهم امور است و تاکید بسیار در آیات و اخبار در آن وارد شده است چنانچه حق برای تعلیم سایر بندگان و تالیف قلوب مؤمنان و امتحان منافقان حضرت

مقدس

رسالت

رسالت پناه صلی الله علیه و آله که صاحب عقل کل
بود و بنا بر آنکه نفس قدسش مهبط اسرار وحی الهی و مشرق
انوار الهامات نامتناهی بود خطاب نمود که وَشَاوِرْهُمْ
فِی الْاَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِیْنَ
یعنی با صحابه مشورت کن در امر جهاد و غیر آن که اراده میکنی
پس چون عزم کنی بر آنچه ما بر زبان ایشان جاری سازیم
و بخاطر قدسش می‌اندازیم پس توکل کن بر خداوند کار
خود با او اندر و اعتماد بر غیر او مکن بدرستی که خدا
دوست میدارد آنهارا که در همه امور بر خداوند خود
توکل میکنند بدانکه امر آنحضرت بمشورت برای تعلیم سایر
بندگان و تطییب مومنان و مصالح بسیار دیگر بود
امر فرمود بتوکل و اعتماد بر جناب مقدس او و تفویض امور
خود بعلم کامل و لطف شامل او پس با ارتکاب مشورت
باید که اعتماد بر آرای خلق نکند و خیر خود را از علام
الغیوب طلب کند تا آنچه خیر او است حقتعالی بر زبان

ایشان جاری گردانند و ایضا در جای دیگر فرموده
است وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ
شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ پس مدح کرده
است جماعتی که اجابت حق میکنند پروردگار خود را
در هر امری از امور دین که ایشان را بگویان میخواند و نماز
را برپا میدارند در اوقات فضیلت با شرایط و آداب
آن و کار ایشان مشورتست در میان ایشان یعنی مستبد
برای خود نمی باشند و در هر کار با یکدیگر مشورت می کنند
و از آنچه با ایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه
رضای ما انفاق میکنند و از این آیه کریمه نهایت مبالغه
در مشورت ظاهر میشود و از حضرت رسول منقولست
که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت می یابد بآنچه
خیر او در آن است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسی
که طلب خیر خود از خدا میکند در کار خود حیران نمی شود
و کسیکه با مردم در کارها مشورت میکند پشیمان نمی شود

و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست
که نفس خود را بخطرها می اندازد کسیکه مستغنی میشود
برای خود از رای دیگران و بسیند و بجز دیگران بسند
معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که مشورت نمیباشد
مگر با چهار حد اگر کسی اینها را رعایت کند منتفع میشود
و اگر نکند ضررش بر مشورت کننده زیاده از نفع آنست
اوّل آنکه با کسی مشورت کنی که عاقل باشد دوّم
آنکه آزاد و دیندار و صالح باشد سیّم آنکه دوست
و برادر مؤمن باشد چهارم آنکه او را بر سرّ
و راز خود مطلع گردانی بنحوی که چنانچه تو راز خود را
میدانی او هم بداند و اعتماد بر او داشته باشی که افشا
راز تو نمیکند نزد مردم امّا اوّل برای آنکه اگر عاقل
باشد رای او بکار تو می آید و رای احمق بکار نمی آید
امّا دوّیم برای آنکه اگر آزاد و دیندار باشد سعی میکند
که خیر تو را بداند و بتو بگوید و اگر از خدا نترسد یا

در شرایط مشورت

ندارد

نداردازانکه خبرها از تو پنهان کند واما سیم زیراکه
اگر یار و برادر ایمانی نباشد راز خود را باو نمیتوان
گفت واما چهارم برای آنکه تا اسرار تو را نداند خبرها
نمیتواند دانست **مؤلف گوید** که در عبارت حدیث
اجمالست و حاصل مضمونش آنستکه مذکور شد و دور
نیست که مراد از آزاد مرد خوش اخلاق باشد چنانچه
بسند معتبر از حسن بن الجهم منقولست که حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که عقل پدرم بمرتبه بود که
عقلهای دیگران را بان نمیتوان سنجید با آن مرتبه
از علم و عقل بسیار بود که با یکی از غلامان سیاه خود
مشورت میکرد میگفتند با چنین کسی مشورت میکنی
جواب میفرمود که شاید که خدا خیر مرا بر زبان
او جاری گرداند پس بعضی آن سیاه میگفت از تعلیم
بساتین و مزارع حضرت بآن عمل مینمود و از حضرت
صادق ع منقولست که از حضرت رسول پرسیدند که

حزم ودور اندیشه عیب است فرمود که مشورت کردن با
صاحبان عقل ورای نیک ومتابعت ایشان کردن
و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که حضرت رسول خدا فرمود که مشورت کردن با عاقل
ناصح خیرخواه موجب یمنت ومبارکی میشود و صلاح
وتوفیق حق تعالی است پس هرگاه خیرخواه دانا عاقل
رایی برای تو اختیار کند زنهار مخالفت او مکن که باعث
هلاک تو میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هیچ معاونی
بهتر از مشورت کردن نیست و از حضرت امیر المؤمنین وهیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست
صلوات الله علیه منقولست که مشورت کن با جماعتی
که از خدا ترسند و دوست دار برادران مؤمن را بقدر
پرهیزکاری ایشان وبپرهیز از زنان بد واز نیکان ایشان
نیز در حذر باش واگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت
کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان
در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که

مسلمانان با او مشورت کنند و آنچه خیر او در ان بینند
با او نگویند و از حضرت رسول الله ص روایتست که هر گروهی که
با یکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد
که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت
ایشان داخل باشد البته آنچه خیر ایشانست بر ایشان
ظاهر میشود و از حضرت صادق ع منقولست که مشورت
کن با مردان عاقل پرهیزکار زیرا که امر نمیکنند ترا
مگر بنیکی و زنهار که مخالفت ایشان مکن که مخالفت
دانای پرهیزکار باعث فساد دین و دنیا است و
بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که اگر خواهی
نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت تو کامل
و تمام باشد و زندگانی تو نیکو باشد پس در امور
با ~~مردم برلجه~~ و با مردم دنی و دون مشورت مکن و — بابرده مردم
از حضرت رسول ص روایتست که مشورت مکن با جبان و
ترسان که راه بیرون شد را بر تو تنگ میکند و بسبب جبنی

که دارد را مکشا درا بتو نمینماید و مشورت مکن با
بخیل که مانع میشود ترا از رسیدن بنهایت مقصود خود
و مشورت مکن با کسی که حرص دنیا داشته باشد زیرا
که زینت میدهد برای تو بدی بدیها را و بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که برادر
مؤمنش با او مشورت کند و آنچه محض خیر او داند
نگوید حقتعالی عقل و رایش را از او سلب کند و در
محاسن و معانی الاخبار و فتح الابواب بسندهای
معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است
که هرگاه یکی از شما کاری را اراده کند با کسی مشورت
نکند تا پیشتر از آن با خداوند خود مشورت کند راوی
گفت چگونه با خدا مشورت کند فرمود اول از حقتعالی
طلب خیر خود بکند بعد از آن با مؤمنان مشورت کند
تا خدا آنچه خیر او در آنست بر زبان ایشان جاری گرداند
و در مکارم از حضرت صادق ع روایت کرده است که هرگاه

امری را اراده کنی پس با کسی مشورت مکن تا با خدا
مشورت کنی پرسیدند که چگونه با پروردگار خود مشورت
کند فرمود که صد مرتبه بگوید استخیر الله پس با مردم مشورت
کند تا خدا خیر او را بر زبان هر که خواهد جاری کند
و بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده
است که چون یکی از شما یعنی شیعیان اراده کند که
چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری بشود پس اول خیر
خود را از خدای عز و جل سؤال کند با آنکه بگوید اَللّٰهُمَّ
اِنّی اُریدُ اَمْراً فَاِنْ کانَ خَیْراً لی فی دینی وَدُنْیایَ فَیَسِّرْهُ
لی وَاِنْ کانَ شَرّاً لی فی دینی وَدُنْیایَ فَاصْرِفْهُ عَنّی
رَبِّ اعْزِمْ لی عَلی رُشْدی وَاِنْ کَرِهَتْهُ وَاَبَتْهُ نَفْسی پس
با ده نفر از مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده
است و اگر ده کس نیابد با پنج نفر مشورت کند با هر یک دو
بار و اگر نیابد مگر دو نفر از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه
مشورت کند و اگر نیابد مگر یک مرد با او ده نوبت مشورت

وَآخِرَتی وَعاجِلِ اَمْری وَآجِلِه

کند مؤلف گوید که اگر صد مرتبه تسخیر الله را
با این حدیث ضم کند اتم و اکمل خواهد بود انشاء الله تع
مفتاح چهارم در بنا استخاره بقرآن مجید است
کلینی رحمه الله از حضرت صادق ع روایت کرده است
که تفأل مکن بقرآن مشایخ ما رحمة الله علیهم این حدیث
را تاویل میکردند که مراد نهی از فال گشودن از قرآن است
که احوال آینده را از آیات مناسبه استنباط کنند چنانچه
بعضی از جهال این را وسیله روزی خود کرده باین نحو
مردم را فریب میدهند و بخاطر قاصر فقیر میرسد که مراد نهی
از تفأل و تطیری باشد که اگر خلق از دیدن و شنیدن
بعضی امور میکنند و بعضی را برخود مبارک و بعضی را
شوم میگیرند مانند صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی
از حیوانات و غیر آن در افتتاح سفر و احوال دیگر یعنی
از شنیدن بعضی از آیات کریمه فال نیک و فال بد میگیرد
و شاید یک حکمتش این باشد که باعث کم اعتقادی

مردم بقرآن کریم نکردند اگر موافق نیفتد **واستخاره**
بقرآن مجید بچند طریق معروفست ودر بعضی از کتب
مذکور است **اوّل** آنکه بعد از طلب خیر از جناب معبود
ربانی مصحف را بگشاید وآیه اوّل صفحه دست راست را
ملاحظه نماید اگر آیه رحمتی یا امر بخیری باشد خوبست
واگر آیه غضبی یا نهی از شری یا امر بشری یا عقوبتی باشد
بد است واگر ذو وجهین باشد یا مشتبه باشد میانه
است چنانچه شیخ طوسی در تهذیب وصاحب کتاب الغایات
وسیّد بن طاوس رضی الله عنهم بسند معتبر روایت کرده
اند که یسع بن عبدالله قمی بحضرت صادق ع عرض کرد که
من اراده میکنم کاری را وطلب خیر از حقتعالی میکنم ورایم
بر یکطرف قرار نمیگیرد حضرت فرمود که نظر کن در هنگامی
که بنماز بر میخیزی زیرا که دورترین احوال شیطان از آدمی
حالتی است که بنماز میایستد پس ببین که چه چیز در دلت
می افتد واخذ کن بآن وبگشا مصحف را پس نظر کن بسوی

اول چیزی که می بینی در مصحف پس بآن عمل کن ان شاء الله
مؤلف گوید که ظاهر این است که مراد آن باشد
که با بگشا و آنحضرت در وقتی بجهة استخاره و تفسیر
خبر بیان فرموده باشد و همچنین مراد از اول چیزی
که می بینی اول صفحه باشد زیرا که غالب این است که اول
نظر بر آن می افتد و مؤید این معنی است آنچه روایت کرده است
ابن ادریس رحمه الله در کتاب سرائر از شخصی از اصحاب که
گفت در خدمت حضرت امام زین العابدین صلوات الله
علیه بودم و عادت آنحضرت این بود که چون نماز صبح
میکرد با کسی سخن نمیگفت تا آفتاب طلوع میکرد روزی
که یک فرزند آن حضرت متولد شد بعد از نماز صبح آن
حضرت را بشارت بولادت او دادند پس رو باصحاب
خود کرد و گفت چه نام کنم این فرزند را هر یک از
حاضران نامی گفتند حضرت مصحف طلبید و در دامن
خود گذاشت و گشود در اول صفحه این آیه بود وَفَضَّلَ

فضل الله المجاهدين على القاعدين اجرا عظيما پس مصحف را برهم
گذاشت و باز دیگر گشود این آیه در اول صفحه بود اِنَّ
اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ
الْجَنَّةَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ
وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالْقُرْاٰنِ وَمَنْ
اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ الَّذِيْ بَايَعْتُمْ
بِهٖ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ پس آنحضرت فرمود که والله دوباره
زید است و او را زید نام کرد مؤلف گوید که چون
حضرت سجاد ع میدانستند که یکی از فرزندان او که مسمی
بزید خواهد بود در جهاد با مخالفان شهید خواهد شد
در این دو آیه که در استخاره ظاهر شد اشاره بشهادت
او بود باین سبب دانستند که این همان فرزند است پس
او را باین اسم مسمی کردانیدند و دلالت میکند بر استخاره
باین نحو که مذکور شد بلکه ایمائی بجواز تفأل بقرآن
نیز دارد سید رحمه الله در فتح الابواب گفته است

وایضاً که

که خبیب مستغفری در دعوات خود ذکر کرده است که
هرگاه میخواهی تفأل نمائی بکتاب خدا پس سه مرتبه سوره
قل هو الله احد بخوان و سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرست پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی تَفَأَّلْتُ بِکِتَابِکَ وَتَوَکَّلْتُ
عَلَیْکَ فَاَرِنِی مِنْ کِتَابِکَ مَا هُوَ الْمَکْتُومُ مِنْ سِرِّکَ الْمَکْنُونِ
فِی غَیْبِکَ پس مصحف مجید را بگشا و عمل کن بآنچه در سطر
اوّل صفحهٔ دست راست ظاهر میشود بی آنکه ورقها و
سطورها بشماری و این از حضرت رسول الله صلعم روایت
کرده است **مؤلف گوید** که این حدیث اگرچه از طرق
عامه روایت شده است تا مؤید استخارهٔ صفحهٔ اوّل
میتواند شد **طریق دوم استخارهٔ قرآن** آن است
که بصفحهٔ اوّل عمل بکنند و آن چند قسم است **اوّل**
آن است که فقیر دیدم بخط شیخ جلیل شیخ شمس الدین
محمد صاحب الکرامات و المقامات جد شیخ الاسلام و
المسلمین شیخ بهاء الدین قدس الله روحهما که از خط محمد

شهید ۴

شیخ سعید محمد بن مکی رفع الله درجته نقل کرده که او
بسند معتبر از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت
با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام نشسته بودیم پس یکی از ایشان بخدمت
آنحضرت عرض کرد که گاه هست اراده کاری و قصد حاجتی
میکنیم پس مصحف مجید را بر میداریم و حاجت خود را
بخاطر می آوریم و قرآن را میگشائیم و بعد از آن با اول
ورق اول نظر میکنیم و بآن استدلال بر نیک و بد حاجت
خود میکنیم حضرت فرمودند که بچه نحو باید کرد
والله که نمیدانند گفتم فدای تو شوم چگونه باید کرد فرمودند
که هر گاه یکی از شما را حاجتی باشد و قصد آن داشته باشد
نماز جعفر را بجا آورد و دعایش را بخواند و چون فارغ
شود مصحف را بردارد و نیت کند فرج آل محمد را که ظهور
حضرت صاحب الامر ع در این نزدیکی خواهد شد و بگوید
اَللّهُمَّ اِنْ کانَ فی قَضائِکَ وَقَدَرِکَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنْ وَلیِّکَ

و حجّتک

وَجَعَلْتَ فِي خَلْقِكَ فِي عَامِنَا هَذَا أَوْ فِي شَهْرِنَا هَذَا
فَأَخْرِجْ لَنَا آيَةً مِنْ كِتَابِكَ نَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى ذَلِكَ پس
مصحف را بگشاید و هفت ورق را بگرداند و از پشت
ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند بسطر یازدهم
که در آنجا امری بر آن ظاهر خواهد شد در آن طلبی که
برای آن گشوده پس مصحف را بر هم میگذارد و بار دیگر برای
حاجت خود قصد میکند و مصحف مجید را میگشاید
و بهمان نحو که مذکور شد عمل میکند تا حاجت او ظاهر
شود و سید ابن طاوس قدس سره نیز همین عمل را
در رساله نقل کرده و گفته است که در کتب اصحاب ما
دیده ام و این احتمال استخاره وقت اظهر و وارد دو سیم
استخاره جلاله مشهور است که قرآن را بگشاید در
صفحه دست راست نظر کند و هر لفظ الله هر چه باشد
بشمارد و بعد از آن از طرف چپ نیز بشمارد و بعد از آن
بهمان عدد از صفحه دست چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر

اخر ظاهر شود عمل کند واگر در مرتبهٔ اول استخاره لفظ
جلاله در صفحهٔ اول نباشد بار دیگر نیت کند بگشاید
تا جلاله ظاهر شود واین طریقه اگر چه از سید ابن طاوس
نقل میکنند اما در کتاب او نیست و در غیر آن از کتب
فقیر معتبره فقیر ندیده اما نقل از سید و لیکن بخط یکی از فضلای
یکی ۲ بحرین دیدم که نوشته بود که دیدم در تالیفات علمای
امامیه رضوان الله علیهم که حریز از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده بود که انحضرت فرمود که هرگاه
بر احدی از شما کار مشکل شود مصحف را بدست گیرد و
عزم کند بر عمل کردن بآنچه ظاهر شود بر او از جانب مصحف
پس سورهٔ حمد و سورهٔ قل هو الله احد و آیة الکرسی و
آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا
فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ
فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
و سورهٔ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و سورهٔ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و

سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره قل اعوذ برب الناس
هر یک از اینها را سه مرتبه بخواند پس متوجه شود بقرآن
مجید و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِالْقُرْآنِ الْعَظیمِ
مِنْ فاتِحَتِهِ اِلیٰ خاتِمَتِهِ وَفیهِ اِسْمُکَ الْاَکْبَرُ وَکَلِماتُکَ
التّامّاتُ یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ وَیا جامِعَ کُلِّ فَوْتٍ
وَیا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ یا مَنْ لا تَغْشاهُ الظُّلُماتُ
وَلا تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْاَصْواتُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُخیرَ لی بِما
اُشْکِلَ عَلَیَّ بِهِ فَاِنَّکَ عالِمٌ بِکُلِّ مَعْلُومٍ غَیْرُ مُعَلَّمٍ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ
وَمُحَمَّدٍ الْباقِرِ وَجَعْفَرٍ الصّادِقِ وَمُوسَی الْکاظِمِ وَعَلِیٍّ
الرِّضا وَمُحَمَّدٍ الْجَوادِ وَعَلِیٍّ الْهادی وَالْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ
وَالْخَلَفِ الْحُجَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ پس مصحف
را بگشاید و جلالات صفحه راست را و بعد آن بشمارد
اوراق از جانب چپ بشمارد پس بعد از آن از صفحه دست
چپ همان عدد سطر بشمارد پس بسطر آخر نظر کند که آن

بمنزله وحی است در مطلبی که دارد ان شاء الله تعالی
ومنها بعضی از فضلاء همین استخاره را بسطر دیگر بنظر
رسیده که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون و آیه و عنده
مفاتح الغیب را تا کتاب مبین بخواند و ده مرتبه صلوات بر
محمد و آل محمد بفرستد پس ابتدا بدعا بخواند اللهم انی توکلت
علیک و تفألت بکتابک فارنی ما هو المکنون
فی سرک المخزون فی علم غیبک برحمتک یا ارحم الراحمین
اللهم ارنی الحق حقا حتی اتبعه و ارنی الباطل باطلا
حتی اجتنبه بعد از آن مصحف را میگشاید و بهمان نحو
که مذکور شد عمل میکند و منها ایضا بعضی
از فضلاء همین نحو نقل کرده است اما در دعا چنین
است المخزون فی غیبک یا ذا الجلال و الاکرام اللهم
انت الحق و منزل الحق بمحمد صلی الله علیه و آله اللهم
ارنی الحق حقا حتی اتبعه و ارنی الباطل باطلا
حتی اجتنبه یا ارحم الراحمین ستم النسک بسید

رضی الله عنه در فتح الابواب ذکر کرده است که از بدر بن
یعقوب اعجمی رضوان الله علیه در روضهٔ حضرت کاظم
صلوات الله علیهما شنیدم که گفت مصحف را بر میداری
و میگوئی اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ فی قَضائِکَ وَقَدَرِکَ اَنْ
تَمُنَّ عَلی اُمَّةِ نَبِیِّکَ بِظُهُورِ وَلِیِّکَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِیِّکَ
فَعَجِّلْ ذلِکَ وَسَهِّلْهُ وَیَسِّرْهُ وَکَمِّلْهُ وَاَخْرِجْ لی آیَةً اَسْتَدِلُّ
بِها عَلی اَمْرٍ فَأْتَمِرُ اَوْ نَهْیٍ فَأَنْتَهی فی عافِیَةٍ و اگر تواند
حاجت خود را بگوید پس هفت ورق بگرداند پس از روی
دویم ورق هفتم هفت سطر بشمارد و در سطر هفتم
تفال کند برای مطلب خود چهارم آنستکه باز سید
رحمه الله از شیخ بدر مذکور روایت کرده است که
بعد از خواندن دعائیکه مذکور شد مصحف را بگشاید
و هفت ورق بگرداند و از صفحهٔ دویم ورق هفتم و
صفحهٔ اول ورق هشتم عدد جلاله آنچه باشد بشمارد
پس از صفحهٔ دویم ورق هشتم در سطر آخر آنچه برابر او ظاهر شود سطر بعدد جلاله بشمارد و

عمل کند

عملکند پنجم باز سید رضی الله عنه از شیخ بدر الدین
رحمه الله روایت کرده است که دعای ثنا بنود را بخواند و مصحف
شریف را بگشاید و هشت ورق بعد از آن بواز صفحه
اول در و هشتم ده سطر بشمارد و بسطر یازدهم تفال کند
مؤلف گوید که اما ظاهر نبود که این استخارۀ مصحف
هیچیک مستند بمعمول ندارد خصوصا سه قسم اخر که
هیچیک بمعصومین علیهم السلام نسبت نداده اند
چون در بعضی از این استخارات وارد شده است که
بعد از نماز حضرت جعفر بعمل آید بنابر این مناسب است که
مختصر از کیفیت آن مذکور شود بدانکه مشهور بین فقها
آنست که چهار رکعت نماز بدو سلام بجهد و در رکعت
اول بعد از فاتحه سورۀ اذا زلزلت و در رکعت دوم سورۀ
عادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو
الله احد بخواند و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده
مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله

اکبر

تکبیر در رکوع وسر برداشتن از ان وبعد در سجود اول
بعد از سر برداشتن ودر سجدهٔ دویم وبعد از سر برداشتن
در هریک ده مرتبه این تسبیحات را بخواند واگر در سجدهٔ
اخر بعد از تسبیحات این دعا را بخواند بهتر است سُبْحَانَ
مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ
بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَىٰ
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ
وَالطَّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ
وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَىٰ
وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس حاجت خود را طلبد واگر
نتواند بگوید وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وبعد از سلام
بگوید یَا رَبِّ یَا رَبِّ بقدر انکه یکنفس وفا کند وباز
یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ همان قدر وباز یَا رَبِّ یَا رَبِّ همان قدر

وباز یا الله یا الله بهمان قدر وباز یا رحیم یا رحیم بهمان
قدر پس هفت مرتبه یا رحمن یا رحمن پس هفت مرتبه یا ارحم
الراحمین پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِکَ
وَاَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَیْکَ وَاُمَجِّدُکَ وَلا غایَةَ لِمَجْدِکَ
وَاُثْنی عَلَیْکَ وَمَنْ یَبْلُغُ غایَةَ ثَنائِکَ وَاَمَدَ مَجْدِکَ
وَاَنّی لِخَلیقَتِکَ کُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِکَ وَاَیَّ زَمَنٍ لَمْ تَکُنْ
مَمْدُوحاً بِفَضْلِکَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِکَ عَوّاداً عَلَی الْمُذْنِبینَ
بِحِلْمِکَ تَخَلَّفَ سُکّانُ اَرْضِکَ عَنْ طاعَتِکَ فَکُنْتَ
عَلَیْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِکَ جَواداً بِفَضْلِکَ عَوّاداً بِکَرَمِکَ
یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَنّانُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ واکر
ذو الجلال
سوره ها را نداند هر سوره که بخواند خوبست واین دعاها
نیز شرط نماز نیستند بلکه از مکملات نماز اند وشاید
از آداب وادعیه را در ربیع الاسابیع ذکر کرده ایم وچون
راوی این استخاره واین دعا هر دو مفضل بن عمر است
دور نیست که در دعائیکه در حدیث استخاره وارد

لمجدک در

شده

شده است اشاره باین دعا باشد لهذا این دعا را در
اینجا اختیار کردیم **مفتاح بیست و نهم** در بیان استخاره
بتسبیح است علامه حلی در کتاب منهاج الصلاح
از پدر بزرگوار خود سدید الدین یوسف رحمه الله
روایت کرده است که او از سید جلیل رضی الدین محمد
آوی روایت کرده است و او از حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه روایت کرده که چون در امری کسی خواهد
استخاره کند سوره فاتحه را ده مرتبه میخواند و بسه مرتبه
و بیکمرتبه نیز اکتفا میتوان کرد پس ده مرتبه سوره انا
انزلناه را میخواند پس این دعا را سه مرتبه میخواند اللهم
انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور و استشیرک
لحسن ظنی بک فی المامول و المحذور اللهم ان کان
الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة اعجازه و بوادیه
وحفت بالکرامة ایامه و لیالیه فخر لی فیه خیرة
ترد شموسه ذلولا و تقعص ایامه سرورا اللهم

اما

اِمّا امرٌ فائتمرُ و اِمّا نهیٌ فانتهی اللّهمّ انّی استخیرک
برحمتک خیرةً فی عافیةٍ پس قصد میکند که اگر این
امر برای من خوب است طاق می آید و اگر بد است جفت
می آید یا بر عکس پس قطعه از تسبیح را میگیرد و میشمارد
تا معلوم شود که طاق است یا جفت است و سیّد
قدس سره در فتح الابواب گفته است که یافتم بخط برادر
صالح پسندیده محمّد بن محمّد حسینی آوی خدا سعادت او را
مضاعف گرداند و مشرّف گرداند خاتمهٔ او را که روایت
رسیده است از حضرت صادق صلوات الله علیه که هر که
خواهد طلب خیره از خدا بکند پس سورهٔ حمد و انّا
انزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند پس سه مرتبه این دعا
بخواند و آن دعای سابق را ذکر کرده است پس گفته است
که کفی از سنگریزه یا تسبیح بگیرد و سیّد گفته است که مراد
آنست که قصد کند که اگر طاق باشد بکن و اگر جفت
باشد مکن پس باز سیّد گفته است که بعضی از اصحاب

ما احمد بن شعر سلی نقل کرده است در صفت قرعهٔ تسبیح
که سورهٔ حمد را یکمرتبه و سورهٔ انا انزلناه را یازده
مرتبه بخواند پس این دعا که گذشت بخواند و رفیقی همراه برساند
و خود کردنرا و اکردنرا یا بر عکس بخاطر بگذراند پس
دو رقعه بنویسد یکی باسم خود و رفیقش و در جائی بگذارد — دیگری بلیتم
بگذارد و دست کند و بیرون آورد اسم هر یک که بیرون
آید بخاطر گرفته او عمل کند طریقهٔ دیگر شیخ یوسف
بن حسین از خط شیخ شهید قدس الله روحه روایت
کرده است که ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه میخوانی پس میگوئی
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ لِعِلْمِکَ بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ وَ
اَسْتَشیرُکَ لِحُسْنِ ظَنّی بِکَ فِی الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اَللّٰهُمَّ
اِنْ کانَ الْاَمْرُ الَّذی عَزَمْتُ عَلَیْهِ مِمّا قَدْ نیطَتِ الْبَرَکَةُ
بِاَعْجازِهِ وَبَوادیهِ وَحُفَّتْ بِالْکَرامَةِ اَیّامُهُ وَلَیالیهِ
فَاَسْئَلُکَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ
بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسی وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَ

الحسن والحجة القائم علیهم السلام ان تصلی علی محمد و
علیهم اجمعین وان تخیر لی فیه خیرة ترد شمومه
ذلولا وتقیض ایامه سرورا اللهم ان کان امرا
فاجعله فی قبضتی الفرد وان کان نهیا فاجعل فی
قبضة الزوج پس تسبیح را میگیرد وعمل میکند بانچه می
اید یعنی اگر یک میماند عمل میکند واگر دو میماند ترک
میکند مؤلف گوید که عبارت سید اجمال
دارد فقیر از عبارت وچنین میفهمم والله یعلم و
بدانکه ظاهر روایات ان است که از سنگریزه چند
یا دانه تسبیح چند دست کند ومشتی بردارد وشمارد
نه بروشی که متعارفست وبعضی از مشایخ ما رضوان
الله علیهم تسبیح منظوم را در میان کف میگرفتند ودانها
که در میان کف واقع میشد میشمردند که طاق است
یا جفت واین نوع نیز با روایت فی الجملة انطباقی دارد
اما انچه دست بدست از اکثر مشایخ دیده وشنیده ایم

همان روش مرسوم است که با انگشتان تسبیح را بگیرند
و اگر حمد و انا انزلناه و ان یکاد را یکی از آن عددها که
در روایات مذکور شد بخواند و نیت کند و تسبیح را
بگیرد و دو تا دو تا بشمارد اگر یک بماند عمل کند و
اگر دو بماند ترک کند ظاهراً بد نباشد والله اعلم
فقیر از شیخ عظیم الشأن شیخ بهاء الدین محمد علیه الرحمة
و الرضوان نقل میفرمود که ما دست بدست از مشایخ
خود شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر صلوات الله
علیه روایت میکردند در طریق استخاره تسبیح که سه
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و تسبیح را بگیرند
و دو تا دو تا بشمارند اگر طاق بماند خوبست و اگر جفت
بماند بد است والله اعلم و رحمه الله باین روش
اکثر اوقات در امور که در آن استعجالی بود استخاره
میکردند و طریق دیگر در میان عوام شهرت دارد که
سه تا سه تا بشمارند اگر یک بماند خوبست و دو و

وسه بار است و این طریق در کتب مشهوره بنظر حقیر نرسید
ولیکن یکی از فضلاء معتبرین از کتاب سعادات از حضرت
صادق ع روایت کرده است که حمد را یکمرتبه و سوره قل
هو الله را سه مرتبه بخواند و پانزده مرتبه صلوات بر
محمد و آل محمد بفرستد پس بگوید اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ
الحسین و جدّه و ابیه و امّه و اخیه و الائمّة من
ذرّیّته ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تجعل لی
الخیرة فی هذه السّبحة و ان تریني ما هو الاصلح لی
فی دینی و دنیای و عاجل امری و آجله فعل ما انا
عازم علیه فأمرني و الّا فانهني فانّک علی کلّ شیء
قدیر پس قبضه از تسبیح میگیرد و میشمارد و میگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الّا الله تا آن قبضه
تمام شود اگر آخرش سبحان الله باشد مخیّر است میان کردن
و نکردن و اگر الحمد لله باشد امر است و اگر لا اله الّا
الله باشد نهی است تمّ مفتاح ششم استخاره و ع

۲ فی الدین و الدنیا
اللهم ان کان
الاصلح ۲

وسید بن طاوس واکثر متأخرین علما رحمة الله علیهم این
نوع را بهترین استخارات میدانند و در کتاب احتجاج
منقولست که حمیری عریضه نوشت بخدمت حضرت صاحب
الامر ع و پرسید که اگر کسی در امری مردد شود میان کردن
و نکردن و دو انگشتری بگیرد و بر یکی بنویسد بکن و بر دیگری
بنویسد مکن پس هر دو را پنهان کند و چندین مرتبه
طلب خیر خود از حقتعالی بکند پس یکی از انها را بیرون
آورد و بآن عمل کند آیا حکم استخاره دارد حضرت در
جواب نوشتند که انچه عالم اهل بیت ع در باب استخاره
معتبر فرموده نماز کردن و بعضها نوشتن است یعنی چنان
باید کرد **مؤلف** گوید که این نوع از استخاره
بچند طریق واقع شده **اول** آنست که کلینی و شیخ طوسی
و سید و دیگران رضوان الله علیهم بسندهای معتبر از
هارون بن خارجه روایت کرده اند که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه امری را

اراده

نهاده ملتی شش رقعه کاغذ بگیر و در سه تای اینها
بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان
بن فلانة افعل و در سه رقعه دیگر بنویس بسم الله
الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة
لا تفعل پس این رقعهها را در زیر مصلی بگذار و دو رکعت
نماز بکن و چون فارغ شوی برو بسجده و صد مرتبه بگو
استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة پس دست بزن و
رقعهها را مشوش کن یعنی بیک دیگر مخلوط گردان و یکیک
از آنها را بیرون آور و ملاحظه کن اگر سه افعل پیاپی
بیرون آید پس بکن آن کار را که اراده کرده و اگر سه لا تفعل
بیرون آید پس مکن آنکار را و اگر بعضی افعل و بعضی لا تفعل
برآید تا پنج رقعه بیرون آور اگر افعل بیشتر است عمل
کن و اگر لا تفعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست
ببیرون آوردن رقعه ششم مولف گوید که بجای
فلان بن فلانة در هر دو جا اسم خود و مادر خود را

می نویسد و بدانکه غسل در این روایت وارد شده
است و بعضی از علما در این استخاره ذکر کرده اند
باعتبار اینکه در استخاره مطلقه که در محل خود ذکر
کرده بهوا افضل است شاید بد نباشد و ورود غسل
در نمازهای حاجت نیز شاید موید تواند شد و اگر
قصد تبرک ائمه علیهم السلام در آن غسل بکنند شاید
احوط باشد و ایضا تعیین سوره در این نماز نشده وارد
است و بعضی سوره حشر و رحمن را ذکر کرده اند باعتبار
آنکه در نوع دیگر استخاره وارد شده است که اگر در هم
در آید افعل و لا تفعل باید پنج تا بیرون آورند اشکالی
دارد زیرا که در بعضی صور احتیاج نمیشود که بیرون آوردن
پنجم مثل آنکه اول یک لا تفعل در آید و بعد از آن
سه افعل یا بر عکس یا آنکه دو افعل بر آید و یک لا
تفعل و یک افعل یا بر عکس و در نیست که هرگاه دو ان
باشد که احتیاج به بیرون آوردن ششم هرگز نمیشود

[illegible]

کو احتیاج در بعض از شقوق نشود و احتمال دارد که
در همه صور شق پنجم را باید بیرون آورد تا بعد کو باشد
بر ما معلوم نباشد اما بعید است و ایضا باید دانست
که اگر مختلف بیرون آید یکی بیشتر باشد از جهت تفاوت
در خوبی و بدی در مراتب آن ظاهر نمیشود و بعضی از علما
باعتبار مراتب زود بیرون آمدن هر یک باولی الخ تفاوت
در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند مثل آنکه سه افعل در
چهار رقعه بیرون آید بهتر است از آنکه در پنج رقعه
بیرون آید و همچنین لا تفعل در بدی و اگر دو افعل بیاید
پیاپی و یک لا تفعل و یک افعل بهتر است از آنکه اول
لا تفعل بیرون آید و بعد از آن سه افعل و بر این قیاس
سایر شقوق نیکی و بدی معلوم میشود دوم آنکه
سید رضی الله عنه از طریق عامه از ابن مسعود روایت کرده
که او در استخاره این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ وَ
لَا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّٰهُمَّ

اِنَّ عِلْمَکَ بِمَا یَکُونُ کَعِلْمِکَ بِمَا کَانَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی قَدْ عَزَمْتُ
عَلٰی کَذَا وَکَذَا فَاِنْ کَانَ لِی فِیهِ خِیَرَةٌ لِلدِّینِ وَالدُّنْیَا وَ
الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ فَیَسِّرْهُ وَسَهِّلْهُ وَهَیِّئْهُ لِی وَقَدِّرْهُ
لِی وَاِنْ کَانَ غَیْرَ ذٰلِکَ فَاصْرِفْنِی عَنْهُ کَیْفَ شِئْتَ پس سجده
میرفت و صد مرتبه میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَخِیرُکَ بِرَحْمَتِکَ
خِیَرَةً فِی عَافِیَةٍ پس در یک رقعه می‌نوشت خِیَرَةٌ مِنَ اللّٰهِ
الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اِفْعَلْ عَلٰی اِسْمِ اللّٰهِ وَعَوْنِهِ
و در رقعهٔ دیگر می‌نوشت خِیَرَةٌ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ
لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ لَا تَفْعَلْ الْخِیَرَةُ فِیمَا یَقْضِی اللّٰهُ و در
زیر سجاده میگذاشت و چون از نماز و دعا فارغ میشد
یکی از آنها را بیرون می‌آورد و هر یک که بیرون می‌آمد
عمل بان میکرد مولف گوید که بجای عَلٰی کَذَا وَکَذَا
حاجت خود را بعربی بگوید عَلَی الْاَمْرِ الَّذِی عَزَمْتُ و بجای
فلان بن فلان اسم خود و پدرش را بنویسد در هر دو رقعه
و این روایت اگرچه از طریق اهل سنت است اما موید و

و اکثر [illegible] اند بگوید

اولست

اولست و عمل بروایت اول که از طریق شیعه است اولی

و اگر این نمازها را بجا آورد نیز بد نیست بسبب آنکه باز

سید رحمه الله از طریق مخالفان نقل کرده است از جابر

بن عبدالله انصاری که از اکابر صحابه است گفت که حضرت

رسول خدا ما را تعلیم میکرد استخاره در امور چنانچه

تعلیم مینمود بما سورهای قرآن را و میفرمود که هرگاه یکی

از شما اراده کاری بکند دو رکعت نماز بکند غیر نمازهای

واجب پس بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ بِعِلْمِکَ وَاَسْتَقْدِرُکَ

بِقُدْرَتِکَ وَاَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظیمِ فَاِنَّکَ تَقْدِرُ وَ

لا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ

کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ خَیْرٌ لی فی دینی وَمَعاشی وَعاقِبَةِ

اَمْری فَاقْدِرْهُ لی وَیَسِّرْهُ لی ثُمَّ بارِکْ لی فیهِ وَاِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ

اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لی فی دینی وَمَعاشی وَعاقِبَةِ اَمْری

فَاصْرِفْهُ عَنّی وَاصْرِفْنی عَنْهُ وَاقْدِرْ لِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ کانَ ثُمَّ

رَضِّنی بِهِ پس سید گفته است که بعضی از مشایخ ما

وَفی عاجِلِ اَمْری وَآجِلِهِ

وَفی عاجِلِ اَمْری وَآجِلِهِ

رحمهم الله گفته است که چون این نماز را بکند و این
دعا را بخواند شش رقعه از کاغذ قطع کند و در سه
افعل بنویسد و در سه لا تفعل بنویسد و بیکدیگر
مخلوط کند و در مصلای خود بگذارد پس سه را
بگیرد یکی بعد از دیگری اگر همه افعل باشد آن کار را بکند با
طیب خاطر و اگر دو تا افعل باشد و یکی لا تفعل باکی
نیست که آنرا بکند اما بیشتر است از شق اول و اگر
همه لا تفعل باشد نکند و اگر دو تا لا تفعل باشد چند
کردن اولی است و اگر حکم کل دارد شرح جمع گوید
که از نحوای اصل حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا برای
مطلق طلب خیر است بجهت آنکه عمل با آن باشد و آن
عملیکه مشهور است از بعض مشایخ نقل کرده است جز و آن
نیست و در روایت دیگر ندیده ام پس بهتر آنستکه
بنیاد قول عمل او نکند و اگر خواهند این دعا را نیز بخوانند
چهارم آنستکه با زنیت ... فتح الابواب

گفته است که من رسیده است از بعضی علما در کیفیت
استخاره که در سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
خیرة من الله العزیز الحکیم افعل و در سه رقعه دیگر بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لا تفعل
و رقعها را در زیر سجاده بگذار و دو رکعت نماز بکن
و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحة الکتاب سه مرتبه قل
هو الله احد بخوان پس سلام بگو و بگو اللهم انی استخیرک
بعلمک تا آخر دعا که مذکور شد پس بسجده برو و صد
مرتبه بگو استخیر الله العظیم پس سر از سجده بردار و پنج
رقعه را بیرون آور و اگر افعل سه تا باشد بکن که صلاح تو در
آن است و اگر لا تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در ترک آن
است ان شاء الله پنجم آن است که باز رسیده رضی الله
عنه از شیخ ابو الفتح کراجکی رحمة الله علیه نقل کرده است
و او بسند خود از هارون بن حماد روایت کرده است
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر گاه امری را اراده

کنی

رحمهم الله گفته است که چون این نماز را بکنند واین
دعا را بخوانند شش رقعه از کاغذ قطع کنند ودر سه تا
افعل بنویسند ودر سه تا لا تفعل بنویسند وبیکدیگر
مخلوط کنند ودر میان آستین خود بگذارند پس سه تا را
یکی یکی بدر آورند اگر همه افعل باشد آن کار را بکنند با
طیب خاطر واگر دو تا افعل باشد ویکی لا تفعل باکی
نیست که آنرا بکنند اما بهتر است از شق اول واگر
همه لا تفعل باشد نکنند واگر دو تا لا تفعل باشد حذر
کردن اولی است واکثر حکم کل دارد مترجم گوید
که از فحوای اصل عبارت ظاهر میشود که این نماز ودعا برای
مطلق طلب خیر است بکردن آنکه عمل با آن باشد وآن
عملیکه شنیده از بعض مشایخ نقل کرده است جزو آن
نیست ودر روایت دیگر ندیده ام پس بهتر آنستکه
بنیت اول بعمل آورند واگر خواهند این دعا را نیز بخوانند
چهارم آنستکه باز شیخ قدس سره در فتح الابواب

کفته است که بمن رسیده است از بعضی علماء در کیفیت
استخاره که در سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
خیرة من الله العزیز الحکیم افعل و در سه رقعه دیگر بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لا تفعل
و رقعه ها را در زیر سجاده بگذار و دو رکعت نماز بکن
و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحة الکتاب سه مرتبه قل
هو الله احد بخوان پس سلام بگو و بگو اللهم انی استخیرک
بعلمک تا آخر دعا که مذکور شد پس بسجده برو و صد
مرتبه بگو استخیر الله العظیم پس سر از سجده بردار و پنج
رقعه را بیرون آور اگر افعل سه تا باشد بکن که صلاح تو در
آن است و اگر لا تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در نکردن
است انشاء الله پنجم آن است که باز سید رضی الله
عنه از شیخ ابو الفتح کراجکی رحمة الله علیه نقل کرده است
و او بسند خود از هارون بن حماد روایت کرده است
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر گاه امری را اراده

کنی

کنی شش رقعه بگیر و بر سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
خیرة من الله العزیز الحکیم و بر وا بنسه دیگر العلی الکریم
لفلان بن فلانة افعل کذا ان شاء الله و نام خود را
و پدر خود را و آن کاری که میخواهی بکنی بنویس و در سه
رقعه دیگر بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز
الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل کذا ان شاء الله و
چهار رکعت نماز بکن و در هر رکعت پنجاه مرتبه سوره
قل هو الله احد بخوان و سه مرتبه سوره انا انزلناه فی
لیلة القدر (بخوان ۶) یعنی بعد از سوره حمد و رقعه‌ها را در زیر
سجاده خود بگذار پس این دعا را بخوان بقدرتک
تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب
اللهم بک فلا شیء اعظم منک صل علی آدم صفوتک
و محمد خیرتک و اهل بیته الطاهرین و من بینهم من
نبی و صدیق و شهید و عبد صالح و ولی مخلص و
ملائکتک اجمعین و ان کان ما عزمت علیه من

الله فلا

الدُّخُولُ فِي سَفَرِي إِلَى بَلَدِ كَذَا وَكَذَا خَيْرًا لِي فِي الْبَدْءِ وَ
الْعَاقِبَةِ وَرِزْقٍ يَتَيَسَّرُ لِي مِنْهُ فَسَهِّلْهُ وَلَا تُعَسِّرْهُ وَ
خِرْ لِي فِيهِ وَإِنْ كَانَ غَيْرَهُ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَبَدِّلْنِي مِنْهُ بِمَا
هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس هفتاد مرتبه
بگو خِيَرَةٌ مِنَ اللهِ الْعَلِيِّ الْكَرِيمِ پس بسجده برو و صد بار این را
بگذار و حاجت خود را از خدا بطلب و در روایت دیگر
وارد شده است که بعد از آن رقعه‌ها را بهم زن و بر نحوی
که در روایت اول مذکور شد مؤلف گوید
که این دعا در خصوص اراده سفر است و اگر اراده امر
دیگر داشته باشد باید که بجای من الدخول فی سفری
الی بلد کذا و کذا آن حاجت را ذکر کند و اگر اراده سفر
باشد بجای الی بلد کذا و کذا آن سفر و آن شهری را
که اراده دارد ذکر کند و بر هر تقدیر عمل بر روایت
اول اظهر است و اگر خواهد این دعا را نیز اضافه کند و
سید ابن باقی رحمه الله در مصباح ذکر کرده است که

در دست انکس که استخاره میکند انکشتر عقیقی بوده
باشد که در ان نام محمد و علی صلوات الله علیهما
نقش کرده باشد و بدست راست رقعهارا بدر
اورد و بدانکه سید ابن طاوس رضی الله عنه چون
این استخاره را بهترین استخارات میداند و مدارش
بر عمل بر این استخاره است نقل کرده است **اول**
انکه بعضی از ارباب مناصب دنیویه مرا طلبید و من
در جانب غربی بغداد بودم و بیست و دو روز در انجا
ماندم و هر روز استخاره کردم که او را ملاقات
کنم و همه استخارها با سطر لا تفعل متوالی امد یا در جمیع
رقعه سطر لا تفعل امد ظاهر شد که خیر من در ندیدن
او بوده است و چنین اتفاقی نمی باشد مگر از جانب
خداوندی که عالم الخفیاتست **دویم** انکه در ایامی
که در دار السلام بغداد اقامت داشتم وارد شهر
حله شدم و بعضی از اقارب من تکلیف نمودند مرا که بدیدن

در مجرب بودن این استخاره

یکی از حکام حله بروم وچنان اتفاق افتاد که یکماه در
حله ماندم وهر روز که اراده ملاقات او میکردم در
اول روز واخر روز استخاره میکردم برای دیدن
او ودر همه استخارات سه لا تفعل می امد تا انکه پنجاه
استخاره در عرض اینمدت کردم ودر همه سه لا تفعل
بیرون امد ومعلوم شد که خیر من در ان بوده وعقل
باور نمیکند این را که پنجاه استخاره کسی برای یک مطلب
بکند وبر سبیل اتفاق بدون اراده قادر علی الاطلاق
همه بیک نحو باید سیم انکه تا حال که عمر من به پنجسال
پنجاه وسه سال از عمر من گذشته است و تا حال همه استخاره
بر من ظاهر شده است که پیوسته در امور خود استخاره
کرده ام ودر همه اخر خود را در ان یافته ام که
استخاره مرا بان دلالت کرده است وهمیشه شغل
دنیا وعقبی خود را در ان یافته مؤلف گوید
که فقیر در انواع استخارات تجربه بسیار کرده ام و

حقیقت ۳

از

از جمعی از برادران و صلحای خویشان و آشنایان
خود امور غریبه در اینباب شنیده ام خصوصا این
استخاره و استخاره بمصحف مجید والله الموفق

مفتاح هفتم در بیان استخاره برقاع است

برخلاف طریق مشهور و آن چند قسم است اول
شیخ طبرسی رحمة الله علیه در مکارم الاخلاق از
عبدالرحمن بن سایه روایت کرده است که در سالی
رفتم بمکه معظمه و با خود متاعی برده بودم و آن متاع
در آن سال کساد بود و کسی بهم نرسید که بخرد بعضی
از اصحاب ما گفتند که متاع را بمصر بفرست و بعضی
بر مکردان و بعضی گفتند که بیمن بفرست پس رفتم
بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع بعد از آنکه از منی
بمکه مراجعت کرده بودیم و احوال خود را عرض کردم
و پرسیدم که شما چه میفرمائید حضرت فرمود که
قرعه بزن میان مصر و یمن و تفویض کن امر خود را بخدا

و اسم هر شهر که بیرون آید متاع خود را بآنجا بفرست
گفتم فدای تو شوم چگونه قرعه بزنم فرمود که در یک رقعه
بنویس بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ (انه لا اله)
اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ وَاَنْتَ الْعَالِمُ وَاَنَا الْمُتَعَلِّمُ
فَانْظُرْ لِی فِی اَیِّ الْاَمْرَیْنِ خَیْرٌ لِی حَتّٰی اَتَوَکَّلَ عَلَیْکَ فِیهِ
وَاَعْمَلَ بِهِ (فاعمل) پس بنویس مصر ان شاء الله پس در رقعه
دیگر همان دعا را بنویس پس بنویس اَلْیَمَنَ اِنْ شَاءَ اللهُ
پس در رقعه سیم باز همان دعا را بنویس و بعد از
ان بنویس یُحْبَسُ الْمَتَاعُ وَلَا یُبْعَثُ اِلٰی بَلْدَةٍ مِنْهُمَا یعنی
حبس کن متاع را و بهیچیک از ان دو شهر نفرستم
پس رقعه‌ها را جمع کن و بیکی از برادران مؤمن خود بده
که در جائی پنهان کند از تو پس دست خود را در انجا
داخل کن و هر یک از ان رقعه‌ها که بدست می‌اید بیرون
بیاور و بر خدا توکل کن و بانچه در ان رقعه هست
عمل کن که ان شاء الله خیر تو در انست وسیله نیز

این عمل را البته حسن معتبر از عبد الرحمن روایت کرده است
مترجم گوید که استعمال خوب بینی و اعتبار سندش
کمتر از روایات الرقاع مشهور نیست و منقول نبود که عمومات
احادیث قرعه شامل این بوده باشد زیرا که اخبار
بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید
انداخت و نیز وارد شده است که هر قومی که امر خود را
بخدا تفویض کنند البته سهم محق بیرون می‌آید خصوصا
در امری که رایها در آن مختلف شده باشد دویم
سید رضی الله عنه از حضرت باقر یا صادق صلوات
الله علیهما روایت کرده است که کسیکه خواهد استخاره
بمساهمه بکند یعنی بقرعه در رقعه این دعا را بنویسد
اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ
اَلرَّحْمٰنَ الرَّحِیمَ اَنْتَ تَحْکُمُ بَیْنَ عِبَادِکَ فِیمَا کَانُوا فِیهِ
یَخْتَلِفُونَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَ لِی خِیَرَةً فِی دِینِی وَدُنْیَایَ

وَعاقِبَةِ اَمری وَعاجِلِهِ وَآجِلِهِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ماشاءَ اللّهُ لاحَولَ وَلاقُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس مطلب خود را در دو رقعه بنویسد اگر دو شق باشد واگر نه یکی را کردن ویکی را نکردن ودر سیم بنویسد غفل پس دست کند ویکی را بیرون آورد واگر یکی از آن دو رقعه بیرون آید بآن عملکند واگر غفل بیرون آید از ابتدا دو دیگر برابر بیرون آورد و بآن عملکند

مفتاح هشتم

در بیان استخاره ببنادقست وآن بچند طریق منقولست اوّل آنکه در فتح الابواب ابن طاوس رحمه الله در مجموع الدعوات روایت کرده اند از احمد بن محمد بن یحیی که گفت بعضی از دوستان ما اراده کرد که برای تجارت بیرون رود پس گفت بیرون نمیروم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وبر او سلام کنم ودر کار خود از او مشورت کنم واستدعای دعا از آن

سید رضوان الله عنه

حضرت

حضرت بکنم پس بخدمت آنجناب رفت و عرض کرد که من
اراده دارم که برای تجارت بسفر روم و سوگند یاد
کرده ام که بیرون نروم تا بخدمت شما برسم و با شما
مشورت کنم و طلب دعا از خدمت شما بکنم حضرت برای
او دعا کردند و فرمودند که بر تو باد براستگوئی و عیب
متاع خود را در تجارت پنهان مکن و کسی را که اعتماد واد
لحسان خود کرده باشی مغبون مگردان که آن در بعضی مسائل
سود گرفتن است و از برای مردم مپسند مگر چیزی را
که برای خود می پسندی و حق بده و حق بگیر و مترس و
اندوهناک مباش از کمی روزی بدرستی که تاجر راستگو
با ملائکه نیکوکار گرامی نزد پروردگار خود در قیامت
محشور میشود و اجتناب کن از سوگند یاد کردن در خرید
و فروش زیرا که سوگند دروغ صاحبش را با آتش جهنم
میبرد و هر تاجر بدکردار فاجر است مگر آنکه زیاد
از حق خود نگیرد و حق مردم را تمام بدهد و هرگاه عزم

کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اهتمام بشان آن داشته
باشی دعا بسیار بکن و استخاره بکن بعد از آنکه خبر
داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله استخاره را تعلیم اصحاب خود میکرد
چنانچه سوره قرآنرا و ما استخاره را بعمل می آوردیم
هر وقت که اراده میکنیم امری را و نعم چند برای
استخاره میگیریم و آنچه موافق بیرون می آید عمل
میکنیم خواه موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد
پس آن مرد گفت ای مولای من آن استخاره را بمن تعلیم
نما که چگونه بعمل آورم فرمود چون اراده استخاره
نمائی وضوی کامل بگیر یعنی با آداب و ادعیه مستحبه
و دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سوره حمد و سوره
قل هو الله احد صد مرتبه بخوان و بعد از سلام دستهای
خود را بدعا بردار و بگوی یَا کَاشِفَ الْکَرْبِ وَ مُفَرِّجَ
الْهَمِّ وَ مُذْهِبَ الْغَمِّ وَ مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا

يا من يفزع الخلق اليه في حوائجهم ومهماتهم وامورهم
ويتكلون عليه امرت بالدعاء وضمنت الاجابة يتوكلون
اللهم فصل على محمد وآل محمد وابدأ بهم في كل امري
افرج همي ونفس كربي واذهب غمي واكشف لي عن
الامر الذي قد التبس علي وخر لي في جميع اموري
خيرة في عافية فاني استخيرك اللهم بعلمك و
استقدرك بقدرتك واسألك من فضلك
والجأ اليك في الشدة وابرأ من الحول والقوة
الا بك واتوكل عليك وانت حسبي ونعم الوكيل
اللهم فافتح لي ابواب رزقك وسهلها لي و
يسر لي جميع اموري فانك تقدر ولا اقدر وتعلم
ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كنت تعلم
ان الامر الذي عزمت عليه واردته هو خير لي في
ديني ودنياي ومعاشي ومعادي وعاقبة اموري
فقدره لي وعجله علي وسهله ويسره وبارك لي

فيه

فيه وان كنت تعلم انّه غير نافع لي في العاجل والآجل

بل هو شرّ عليّ فاصرفه عنّي كيف شئت وانّى شئت واصرفني عنه

وقدّر لي الخير حيث كان واين كان ورضّني يا ربّ بقضائك

وبارك لي في قدرك حتّى لا احبّ تعجيل ما اخّرت

ولا تأخير ما عجّلت انّك على كلّ شيء قدير وهو عليك

يسير پس بسيار صلوات بفرستد بر محمّد وآل محمّد وبايد

سه رقعه باخود داشته باشد بر يكطرف [illegible]

هبت و در دو رقعه اين دعا را بنويسد اللّهم فاطر

السموات والارض عالم الغيب والشهادة انت تحكم

بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون اللّهم انّك

تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وتمضي ولا امضي

تقضي ولا اقضي وانت علّام الغيوب صلّ على محمّد و

آل محمّد واخرج لي احبّ السهمين اليك وخيرهما لي في

ديني ودنياي وعاقبة امري انّك على كلّ شيء قدير

وهو عليك يسير بعد در پشت ديگري لا تفعل و

رقعه

رقعه سیم این را بنویس لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم استعنت بالله و توکلت علیه لا فی جمیع اموری
علی الله الحی الذی لا یموت و اعتصمت بذی العزة و
الجبروت و تحصنت بذی الحول و الطول و الملکوت
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و صلی
الله علی محمد النبی و آله الطاهرین و پشت این رقعه را
سفید بگذار و چیزی بر آن منویس و هر رشته را محکم به
پیچ بر یک هیئت و بکشو و در میان سه بند آن بگذار
از موم با گل بر یک هیئت و بگو زن و بگو بکسی که
اعتماد بر او داشته باشی از برادران مؤمن و بگو خدا
را یاد کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و آن
بند فقها را در میان استینهای خود بگذارد و دست
راست خود را در میان استین داخل کند و آن بندها را
حرکت دهد و یکی از آنها را بدر آورد بدون آنکه
آنها را نظر کند و بگیرد مخصوص تعیین کند و لیکن

دستش بر یکی از انها کرد واقع شود بیرون اورد چون
بیرون اورد تو ان را بکیر و بشکن و بخوان و عمل کن با
در پشت ان نوشته اند و اگر کسی که برای او اعتماد داشته
باشی حاضر نباشد خود در میان استین بنه انچه
مذکور شد بعمل او رو اگر انچه افعل بر ان نوشته باشد
بیرون اید البته ان کار را بکن که خیر تو در ان است
ان شاء الله و اگر انچه در ان لا تفعل نوشته شده
بیرون اید مکن و البته مخالفت این استخاره مکن که
ازار میکشی و اگر رقعه بیرون اید که چیزی بر پشت
ان نوشته نشده است توقف کن تا وقت نماز بعضی
حاضر شود پس برخیز و دو رکعت نماز چنانچه مذکور
شد بکن پس نماز واجب را بکن یا ان دو رکعت نماز را بعد
ان نماز واجب بکن اگر نماز صبح و عصر نباشد و اگر
نماز صبح باشد بعد از ان تعقیب نماز بجا اری تا افتاب
پهن شود بعد از ان دو رکعت را بجا اور و اگر نماز عصر

باشد این دو رکعت را پیش از نماز عصر بکن و بعد از
نماز عصر این دعاها را که این شبها بار دیگر این عمل را اعاده
کن و اگر باز رقعه‌ها نانوشته بیرون بیاید باز در وقت
فریضه دیگر همان عمل را اعاده کن تا یکی از آن دو رقعه‌ها
نوشته بیرون آید همه جهت گوید که ظاهر در اینست
آنست که نوشتن رقعه‌ها و پیچیدن و در میان بندقه
گذاشتن همه بعد از نماز و دعا باشد و بر یکی رقعه‌ها خوانند
پیش باشد و احتمال دارد که تا بند کردن تمام عمل با قبل از نماز
و دور نیست که اول اولی باشد دوم و سیم آن
است که کلینی و شیخ و سید رضی الله عنهم و دیگران
بسند معتبر از یکی از ائمه معصومین صلوات الله
علیهم روایت کرده اند که شخصی از اصحاب آنحضرت پرسید
که اگر امری میخواهم بعمل آورم و کسی را نمی یابم که با آن مشورت
کنم حضرت فرمود با پروردگار خود مشورت کن پرسید
که چگونه با پروردگار خود مشورت کنم فرمود آن حاجت

در خاطر خود فصل کن و دو رقعه بگیر در یکی لا
بنویس و در دیگری نعم و هر یکی را در بندقه از گل بگذار
~~پس دو رکعت نماز بکن و هر یکی را ...~~ آن دو بندقه را
و در زیر دامن خود بگذار و بگو یا الله انی شاورتک
فی امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر علی
بما فیه صلاح و حسن عاقبة پس دست خود بداخل
زیر دامن داخل کن و یکی از آن دو بندقه را بیرون
آور و بگشا اگر نعم باشد بکن و اگر لا باشد مکن یا
خدا چنین مشهور شده میان اکابر دیگر سیم آنکه سید
رضی الله عنه فرموده که در بعضی از کتب شیعه یافتم
که در دو رقعه بنویسی بسم الله الرحمن الرحیم
خیرة من الله العزیز الحکیم لعبده فلان بن فلان و حاجت
خود را بنویسی و یکی را در آخرش بنویسی افعل یا مولای
و دیگر را در آخرش بنویسی لا تفعل یا مولای و هر
یک در میان گلوله از گل بگذاری و بر آن بخوانی

از دو رقعه را هر یک

هریک از سورهٔ حمد و سورهٔ قل اعوذ برب الفلق و
سورهٔ والضحی را هفت مرتبه و ظرف آبی در پیش خود میگذاری
و بندقه‌ها را در میان آب میگذاری پس هریک که زود
تر از دیگری شکافته شود و بر روی آب آید بآن عمل
میکنی انشاء الله چهارم آنستکه باز سید رضی
الله عنه نقل کرده است که با قلم بخط [illegible] یحیی حناط علی بن م
که نوشته بود که این استخارهٔ مولای ما امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام است در خاطر میگذرانی
هر مطلبی که داری و این استخاره را مینویسی در دو رقعه
و بر پشت یکی مینویسی افعل و در پشت دیگری مینویسی
لا تفعل و دو بندقه از گل میسازی و بترازو با
هم میسنجی که با هم برابر باشند و هر رقعه را در میان
بندقه میگذاری و بر آب می اندازی و هریک که
پیشتر بر روی آب می آید بآن عمل میکنی و البته تخلف
مکن و دعائیکه بر سر رقعه‌ها باید نوشت این است

ماشاء

ماشاء الله ان اللهم انی استخیرک خیار من فوض
الیک امره واسلم الیک نفسه واستسلم الیک
فی امره وخلا لک وجهه وتوکل علیک فیما نزل
به اللهم خر لی ولا تخر علی وکن لی ولا تکن علی
وانصرنی ولا تنصر علی واعنی ولا تعن علی ومکنی
ولا تمکن منی واهدنی الی الخیر ولا تضلنی وارضنی بقضائک
وبارک لی فی قدرک انک تفعل ما تشاء وتحکم ما
ترید وانت علی کل شیء قدیر اللهم ان کانت الخیرة لی فی
امری هذا فی دینی ودنیای وعاقبة امری فسهله لی
ان کان غیر ذلک فاصرفه عنی یا ارحم الراحمین پنجم
آن است که با زمستند روایت کرده است که از حضرت
صاحب الزمان علیه صلوات الرحمن ومسمی است باستخاره
مصری وکیفیتش آنست که در دو رقعه بنویسد خیرة من الله
ورسوله لفلان بن فلانه ونام خود را ومادرش را
بنویسد ودر یکی افعل ودر یکی لا تفعل بنویسد و

انک علی کل شیء قدیر

در

در ميان دو بند انگشت از كار بگذارد و بندد ميان فدح ٢ ب

هر دو را ببندد از دو پس وضو بسازد و دو ركعت نماز بگذارد

و بعد از نماز اين دعا بخواند اللّهمّ انّي استخيرك

خيار من فوّض اليك امره واسلم اليك نفسه و

توكّل عليك في امره واستسلم فيما نزل به من امره

اللّهمّ خر لي ولا تخر عليّ واعنّي ولا تعن عليّ ومكّني يك ٢

ولا تمكّن منّي واهدني للخير ولا تضلّني وارضني

بقضائك وبارك لي في قدرك انّك تفعل ما

تشاء وتعطي ما تريد اللّهمّ ان كانت الخيرة في

امري هذا كذا وكذا بجاي كذا وكذا مطلب خود را وقهي ٢

بگويد فمكّني واقدرني عليه وامرني بفعله واوضح منه ٢

لي طريق الهداية وان كان اللّهمّ غير ذلك فاصرفه اليه ٢

عنّي الى الّذي هو خير لي منه فانّك تقدر ولا اقدر

وتعلم ولا اعلم وانت علّام الغيوب يا ارحم الرّاحمين

پس بسجده رود و صد مرتبه بگويد استخير اللّه خيرة

فی عافیة چنین بیند از صد مرتبه بیرون دارد و انتظار
بکشد تا یکی از آن رقعه‌ها از آب بیرون آید هر یک
که پیشتر از آب بیرون آید بدان کار بکنند و اگر لا تفعل
بیرون آید نکند **ششم** باز استاد رضی الله عنه
از شیخ ابو الفتح کراجکی که از اکابر علماء شیعه است
روایت کرده است که دو رقعه بنویس در یکی افعل
یعنی بکن و در دیگری لا تفعل یعنی نکن و از دیده
خود پنهان کن در موضعی و نماز استخاره بکن و بخوان
از عالم الخفیات علیک و یکی از آنها را بیرون آور و بآن
عمل کن **مترجم** گوید که این نوع استخاره از
استخاره‌ها معتبر است و بطریق بسیار روایت شده
و دیدنی است که عمومات فرعیه شامل این طریق شده
باشد و هر یک از طرقی که مذکور شد عمل کردن خوب است
خصوصاً طریق اول و اگر بعضی از دعاها طریقه دیگر را نیز
بآن ضم کند بهتر است **خاتمه** در بیان آن

یعنی باز جهل کند اگر افعل بیرون آید

بعضی از هم نادرست

مخزن ۲

نادره است و در آن چند فایده است اوّل

شیخ سعید شهید محمد بن مکی حشره الله مع الشهداء

امری م الاولین دیدم که هرگاه شخصی در چارهٔ متحیر باشد

نداند چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب محمد

بن جریر طبری که مسمی است بکتاب الآداب الحمیده دید

که روح بن الحارث از پدرش از جدش روایت کرده است

که فرزندان خود را وصیت کرد و گفت هرگاه امر

عظیمی احدی از شما را رو دهد یا حادثهٔ باعث غم

او گردد باید که با وضو بخوابد در فراش و لحاف

طاهر تنها بخوابد و پیش زنی نخوابد و در وقت

خوابیدن سورهٔ و الشمس و اللیل هر یک را هفت مرتبه

بخواند پس بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی هٰذَا

در شب ۳ فَرَجًا و بخوابد پس شخصی بخواب او آید در شب اوّل یا سیم یا

پنجم و گمان دارم که هفتم را نیز گفت و باو میگوید که

فرج از این غم و دلگیری تو در چه چیز است الشیخ که

راوی میگوید پس گفت مرا دردی عارض شد علاجش
را ندانستم پس این عمل را بجا آوردم و چون بخواب رفتم
دیدم دو کس نزدیک من پیدا شدند یکی نزد سر من
نشست و یکی نزد پای من یکی به دیگری گفت عمل بدن او را
دست بمال و احساس مرض بکن چون دست نشسته وضعی از سر
من رسید گفت در اینجا حجامت بکن و مراش و سرشی
با چیزی بر آن بمال که بچسبد پس بمن گفت و با هر دو
که ضم کن بآن انجیر و زیتون را چون بیدار شدم همان
موضع را حجامت کردم صحت یافتم و جماعت بسیاری
را تعلیم نمودم و همه صحت یافتند و شیخ طبرسی
رحمة الله علیه در مکارم الاخلاق روایت کرده است
که هر گاه امری عارض شود که موجب هم او گردد و خواهد
که چاره خود را بداند باید که در وقت خواب سوره
والشمس و سوره واللیل را هر یک هفت بار بخواند تا آنکه
در خواب شخصی را ببیند و چاره او را تعلیم او نماید

پیرة

بعمل آوردندم

ردانة

شخص

شیخ مفید در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی
کاظم روایت کرده است که هر کرا بسوی خدا حاجتی باشد و
خواهد ما را در خواب ببیند و جای خود را در آخرت
بداند سه شب با غسل بخوابد و با خدا مناجات کند
و بما متوسل شود و ما را در درگاه خدا شفیع کند تا
آنکه ما را در خواب ببیند و بحاجت خود برسد و
شیخ محمد بن هرون تلعکبری در مجمع الدعوات روایت
کرده است که هر که خواهد حضرت رسالت پناه محمد را
در خواب ببیند در شب جمعه بعد از نماز مغرب مشغول
نوافل گردد و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن را بجا آورد
و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از
سوره حمد سه مرتبه قل هو الله بخواند پس دو رکعت نماز
بکند و بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و
بعد از سلام نماز بسجده برود و صلوات بر محمد و آل
محمد هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگوید سبحان الله و

دیگر

در هر رکعت

الحمد

الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم و دستها را بلند کند و بگوید
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا اله الاولین
والاخرین یا رحمن الدنیا والاخرة و رحیمهما یا رب
یا رب پس دستها را بلند کند و بگوید یا رب یا رب
یا رب یا عظیم الجلال یا عظیم الجلال یا بدیع الکمال
یا کریم الفعال یا کثیر النوال یا دائم الافضال یا
کبیر یا متعال یا اول بلا مثال یا قیوم بغیر زوال
یا واحد بلا انتقال یا شدید المحال یا رازق الخلق
علی کل حال ارنی بحق حبیبی و حبیبنا محمد صلی الله
علیه وآله فی منامی یا ذا الجلال والاکرام پس رو
بقبله بخوابد از دست راست و مشغول صلوات
بر محمد و آل محمد شود تا بخواب رود و ان شاء الله انحضرت را
در خواب می بیند مؤلف گوید که در کتاب
بحار الانوار روایت و ادعیه بیشتر از اینجه مذکور شد

پس از سجده برخیزد و درست بنشیند

برخیزد و

یا عظیم الجلالة

و بیشتر کرده ام

میگوئیم در این رساله بمناسبت مذکور شد و بعضی
از اخبار سابقه مذکور شد که عمده در استخاره آنست
که آدمی تمام امور دنیا و آخرت را اعتماد بر عقل ناقص خود
نکند و باید در جمیع امور توکل بر جناب مقدس الهی
کند و معترف باشد که من بنده ضعیف عاجز جاهلم
و خداوند کریم رحیم عالم قادر مهربانی دارم که عارف
بمصالح من از من و از جمیع مخلوقات و امور خود را
باو گذاشته‌ام و خیر خود را از آن مطلبم پس توسل
نماید بلطف و رحمت خداوند کریم و با غسل و با
نماز و دعا که در ابواب سابقه گذشت پیش رو
کند در آن کار و آنچه رو دهد بآن راضی باشد
و خیر خود را در آن بداند هر چند موافق خواهش او
نباشد و بعد از آن استخاره با دل خود است چنانچه
گذشت و بعد از آن مشورت با مؤمنان است و بعد کردن
از آن استخاره برقاع و بنادقست با تفال القرآن مجید

با نسبه و ظاهر آن خوب نیست اگرچه بعضی از علما صورتها اخیره ۳
را منع کرده اند چنانچه سابقا مذکور شد اما ظاهر
آن است که غیر استخاره مطلقه که در باب اول ذکر
کردیم در جائی صورت دارد که تردد در امری باشد در آن باشد ۳
که ظاهر خیر بودن آن بر آدمی معلوم باشد و تردد در
آن باشد و در امور مستحبه و واجبه که خوبی آن شرعا نداشته ۳
معلوم باشد مگر اینکه تردد در انواع آن داشته
باشد و در امور واجبه مطلقا استخاره کردن صورت
ندارد بلکه مشروع نیست و همچنین در امر حرام استخاره
جایز نیست اما استخاره مطلقه در همه امور خوبست
مگر در امر حرام مطلقا استخاره مشروع نیست چنانچه که در اینجا ۴
شیخ مفید در جواب مسائل غریه فرموده که هرگاه
بنده مؤمن اراده امری در خاطر خطور کند در مصالح
دنیای او که مزاحم در دنیا باشند مانند سفر کردن
و اقامت کردن یا نکاح کردن یا برده خریدن و امثال

اینها

اینها است که بدون استخاره متوجه این اعمال نشود
و بعد از استخاره اگر یکی از اینها را راجح کرد بان عمل کند
و اگر هیچیک نشود توکل کند بر خدا و یکی از اینها را راجح م
بعمل آورد که انشاء الله خیر او در آن است و سزاوار
نیست استخاره در امری که حق تعالی از آن نهی کرده است
و از برای کردن فعل واجب استخاره نمی باشد و استخاره
در امور مباحه می باشد یا در میان دو امر سنت که
هر دو را با هم بعمل نتوان آورد مانند جهاد سنت و
حج سنت یا مردد باشد در میان زیارت دو امام
معصوم یا در میان صله دو برادر مؤمن که هر دو را نتوانند
بعمل آورد و از این باب است امور دیگر بسیار بعضی از
علما دغدغه کرده اند در باب استخاره کردن از برای دیگری
زیرا که در روایاتی که سابقا مذکور شد در هیچیک
وکالت در استخاره مذکور نبود و سید ابن طاوس
رحمه الله تجویز نموده و فرموده است که داخل است در

عموماً قضای حوائج مؤمنان و ایضاً ممکن است که
استخاره این را حاجت خود قرار دهد و قصد کند (کننده)
که بگویم بکن خوبست یا نه و اگرچه عموماً وکالت درو (باو)
نیست که شامل استخاره باشد اما احوط آن است که
صاحب استخاره خود متوجه استخاره شود زیرا که هر که (حاجت)
اضطرارش بیشتر است متوسل بجناب مقدس الهی بیشتر
میباشد و اگر فعل غیر در اینباب قائم مقام فعل او
میبود میبایست با این احادیث بسیار که در اینباب
وارد شده است در یک حدیث اشعار باین بفرمایند
و ایضاً با آن توجه و التفات و مرحمتی که ائمه صلوات
الله علیهم نسبت بموالی و شیعیان خود داشتند یکمرتبه
برای یکی از ایشان استخاره نفرمایند و با آن کثرت احتیاجها
و بی ادبیها که موالیان نسبت بایشان میکردند
یک حدیث مذکور شود که یکی از ایشان این استدعا از
ایشان کرده باشند و یک جهت نوشتن فقیر این رساله

واقعه در این است که برادران ایمانی بر اخبار و آثار
ائمه طاهرین و پیشوایان دین صلوات الله علیهم که
در این باب وارد شده مطلع شوند و کیفیت استخاره را
بدانند که به چه نحو که خواهند در حوائج خود باستخاره
متوسل شوند و در همه امور خود توسل و اعتماد بر پروردگار
خود نمایند و بدانند که خداوند رحیم در فیض خود را بر
روی بندگان گنه کار خود نبسته و همه را در جمیع امور خود کاه
خود خوانده و گناه عاصیان را مانع لطف و احسان خود نموده
و ملتمس از عمل کنندگان به این رساله آنکه مجرم عاصی را
حال حیات و بعد از وفات به دعای خیر یاد نمایند و سهو و
خطا که لازمه غیر معصومین است مؤاخذه ننمایند و با
توزیع بال و تشتت حال و فور اشتغال در چند شب
از ماه مبارک رمضان سنه هزار و سیصد و چهار هجری
نوشته شد والحمد لله اولا و آخرا و صلی الله
علی سید المرسلین محمد و عترته المقدسین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین